



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
۳۰ خرداد ۱۴۰۳ • ۱۲ ذی الحجه ۱۴۴۵ • 19 Jun 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره سیصد و شصت و هشت
www.asrghanoon.ir

دولت دبه

قاضی زاده هاشمی در اولین مناظره انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ گفت: ما طوری صحبت نکنیم که انگار دنیا از امروز شروع شده و برگردیم و وقت کنیم تمام آن چیزی که در گذشته افتاده به جای اینکه نقش خودمان را در آن ببینیم آن جایگاه و کاری هم که ما کرده ایم در او ببینیم نکته دوم هم بحث وعده ها هست واقعا مردم از وعده خسته شده اند باید و نباید گفتن کار ساده ای است بگوییم این بشود آن نشود باید بگوییم این کاری که ما می خواهیم انجام بدهیم چگونه می خواهیم انجامش بدهیم توسط چه تیمی می خواهیم انجام بدهیم یا چه روشی می خواهیم انجام بدهیم.
ادامه در صفحه دوم



دولت دبه

قاضی زاده هاشمی: کسی که از الان درباره اهداف قانون هفتم دبه می کند، بعدا وقت اجرا می گوید مجلس و مجمع تشخیص حرفم را گوش نکرد.

چرا رفتار هواداران بر صلاحیت نامزدها موثر است؟



باید سبک رقابت های غربی بالکل در ایران خراب شود و روش هم افزایی و تکریم را جلو برد. نقش اصلی را خود کاندیداها می توانند ایفا کنند

۲

فلسفه عدم ذکر نام علی (ع) در قرآن؟



خداوند برای پیش گیری از تضعیف و آسیب اسلام و مسلمانان امامت حضرت علی (ع) را نه مطلقاً ترک نمود بلکه آن را با ذکر اوصافی در قرآن یا روایات پیامبر ذکر و تبیین نمود.

۳

تدبیر فرهنگ در دولت آینده



مسأله فرهنگی اصلی و کلان که باید صدر نشین دغدغه های دولت باشد، «سازمان سازی انقلابی ساختار فرهنگی» است. مقصود از «ساختار فرهنگی» در اینجا، «ساختار ذهنی جامعه» است.

۴

رقابت آنکارا با مسکو در آسیای مرکزی و قفقاز



جنگ در اوکراین و تحریم های غرب، روابط اقتصادی روسیه و ترکیه را تقویت کرده است. مسکو با افزایش صادرات به ترکیه به یکی از شرکای اصلی آنکارا تبدیل شده و صادرات ترکیه به روسیه نیز افزایش یافته است.

۵

ضرورت طراحی سامانه مرجع کودک و نوجوان در حوزه فضای مجازی



هر فناوری و ابزاری که در اختیار انسان ها قرار دارد هم منفعت و هم ضرر دارد. امروز تکنولوژی به مدد انسان آمده و ایجاد اضطراب و نگرانی در مورد آن، نمی تواند جلوی گسترش آن را بگیرد.

۷

فینالیست شدن جنگ جهانی در نقش جهان



متأسفانه آخر بازی اتفاقاتی را در زمین دیدیم که از کم ظرفیتی بعضی دوستان نشئت می گیرد. در بردی هم که دوستان در نیم فصل اول داشتند، در رختکن یکسری حرکاتی انجام دادند و آنجا هم ظرفیت خود را نشان دادند.

۸



آسیب‌های عملکرد صداوسیما

در مناظره اول

محمد خاجی

نخستین بخش از سلسله مناظره‌های چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران دوشنبه شب با حضور ۶ نامزد این انتخابات در استودیو ۱۱ ساختمان تولید سازمان صدا و سیما برگزار شد.

فارغ از کیفیت کسالت‌بار و فروریز از حد انتظار مناظره که نتوانست انتظار افکار عمومی را برآورده کند، ذکر چند نکته در باب عملکرد صدا و سیما ضروری به نظر می‌رسد.

(الف) میزانش نامناسب: نخستین عارضه‌ای که در مناظره نخست به چشم می‌آید، میزانش نامناسب استودیوی ۱۱ بود. چیدمان صندلی‌ها بدون استقرار میز در مقابل نامزدها باعث می‌شد که آنها حریم امنی نداشته و معذب باشند؛ به نحوی که هر بار برای مرور یادداشت‌هایشان ناچار به چرخاندن سر به سمت چپ و راست بودند. از سوی دیگر، چنین وضعیتی موجب شده بود که تصویربرداران حتی برای ثبت قاب‌های میدوم‌شات نیز با چالش‌هایی مواجه باشند!

(ب) کثرت پرسش‌های کارشناسان: دومین ضعف مناظره شب گذشته به پرسش‌های متکثر کارشناسان اقتصادی بازمی‌گشت؛ به نحوی که مشخص نبود نامزدها باید به کدام یک از این پرسش‌ها پاسخ دهند یا پاسخ به کدام یک را در اولویت بگذارند و اساساً آیا در زمان اندک پیش‌بینی شده، امکان پاسخ‌گویی دقیق و متمرکز به تمامی پرسش‌ها وجود دارد یا خیر. این وضعیت نه تنها موجب سرگردانی نامزدها می‌شد بلکه مخاطبان صدا و سیما را هم سردرگم کرده بود. کما اینکه ماحصل چنین حجم انبوهی از پرسش‌ها این بود که نامزدها غالباً به آنها پاسخ نمی‌دادند و اساساً مباحث دیگری را در زمان ۴ دقیقه‌ای خود مطرح می‌ساختند.

(ج) اجرای خنثی و ملال‌آور مجری: سومین نکته در مناظره شب گذشته به اجرای خنثی و ملال‌آور مجری مناظره بازمی‌گشت. درست است که مجری چنین مناظراتی باید در منش و روش خود اصل بی‌طرفی را رعایت کند اما رعایت این اصل به معنای اجرای خنثی و بی‌حرارت نیست. مجری در حداقلی‌ترین حالت ممکن می‌توانست به نامزدها تذکر دهد تا دست کم آنها پاسخ‌هایی متناسب با پرسش‌های مطرح‌شده از سوی کارشناسان اقتصادی ارائه کنند اما نه تنها این اتفاق ساده رخ نداد، بلکه مهدی خسروی با یادآوری مکرر و ملال‌آور مدت زمان باقی‌مانده برای هر نامزد (آن هم درست در میانه اظهارات افراد) هم تمرکز آنها را مختل می‌کرد و هم رفته‌رفته حوصله مخاطبان را سر می‌برد.

(د) فقدان طراحی میان‌برنامه‌های جذاب: یکی از الزامات تولید و پخش مناظره‌های تلویزیونی، آن هم در سطح انتخابات ریاست‌جمهوری که به نوعی مهم‌ترین آوردگاه سیاسی کشور به شمار می‌آید، طراحی و ساخت میان‌برنامه‌های جذاب و انگیزاننده است. ضعفی که در مناظره شب گذشته به وضوح خود را نشان داد و اساساً حضور بی‌ثمر سه مجری در استودیوی خارج از محل برگزاری مناظره، نتوانست خلاء ساخت میان‌برنامه‌های جذاب و گیرایی که به قول معروف بتواند آدرنالین مخاطبان صدا و سیما را بالا ببرد، پر کند.

حال، باید دید که آیا صدا و سیما در مناظرات آتی برای رفع کاستی‌های مذکور کوششی خواهد کرد یا اینکه در همچنان روی پاشنه ضعف‌های موجود خواهد چرخید.

شهادت شهید جمهور؛ سر مشق رؤسای جمهور چگونه در انتخابات هشت تیر کام‌ملت شیرین می‌شود؟

بودند، مخالف بودند، دشمن بودند، دوپهلو صحبت نمی‌کرد؛ صریح صحبت می‌کرد، مرزبندی صریح داشت؛ به لبخند دشمن اعتماد نمی‌کرد. «۱۴۰۳/۳/۱۴

■ **او سر مشق و الگو بود**

برشمردن این ویژگی‌ها اگر چه یک جنبه قدردانی و بزرگداشت نسبت به رئیس جمهور فقید داشت اما به نظر می‌رسد جنبه مهم تر آن ارائه الگویی برای مردم در انتخابات پیش رو بود. چرا که بلافاصله پس از بیان این ویژگی‌ها، آنها را درس و سرمشق معرفی کردند. «اینها ارزش است، اینها درس است؛ هر کدام از اینها برای سیاستمداران ما، برای رؤسای جمهور آینده‌ی ما، برای کسانی که در یک بخشی مورد اعتماد ملت قرار میگیرند، یک سرمشق است.» ۱۴۰۳/۳/۱۴

■ **ویژگی‌های رئیس جمهور تراز چیست؟**

رهبر انقلاب در بخش پایانی بیاناتشان نیز به دو نکته مهم، اساسی و البته کاملاً بهم پیوسته اشاره کردند. نکته اول آنکه ایشان به برخی از نیازهای کشور و اثرات و پیامدهای انتخاب یک رئیس جمهور مطلوب و تراز اشاره کردند و این موارد را چنین برشمرند. «در معادلات پیچیده‌ی بین‌المللی، منافع خودش را حفظ کند و عمق راهبردی خودش را تثبیت کند و ظرفیتها و استعدادهای طبیعی و انسانی خودش را به مرحله‌ی بروز و ظهور برساند و کام مردم را شیرین کند و همچنین بتواند حفره‌ها و رخنه‌های اقتصادی و فرهنگی را پر کند.» ۱۴۰۳/۳/۱۴ ایشان دستیابی کشور و مردم به این اهداف را در گرو انتخاب رئیس جمهوری با ویژگی‌های خاصی دانسته و تأکید کردند ملت ایران «احتیاج دارد به یک رئیس جمهور فعال، پرکار، آگاه و معتقد به مبانی انقلاب.» ۱۴۰۳/۳/۱۴

ویژگی‌های فعال و پرکار که به نظر می‌رسد از یک جنس هستند، همان چیزی است که در بیان خصوصیات شهید رئیسی نیز رهبر انقلاب چندین بار به آن اشاره کرده‌اند؛ رئیس جمهوری خستگی ناپذیر و کسی که در راه خدمت به مردم شب و روز نمی‌شناخت. واقعیت آن است که اولادایره مسئولیت‌های رئیس جمهور بسیار گسترده و متنوع است و ثانیاً کشور به دلایل مختلف با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجه است. این دو موضوع در کنار هم باعث می‌شود گریزی از انتخاب فردی فعال و پرکار نباشد. پرکاری و فعال بودن رئیس جمهور، یک ویژگی جانبی نیست که بودنش مثبت باشد و نبودنش مشکلی ایجاد نکند. با توجه به دو نکته فوق، داشتن چنین توان و روحیه‌ای، لازم و ضروری است.

ویژگی‌های بعدی مورد تأکید رهبر انقلاب، آگاه بودن است. به نظر می‌رسد این آگاهی چیزی فراتر و عمیق‌تر از دانش صرف است. آگاه در لغت به معنای هوشیار، بیدار، واقف و کلماتی از قبیل است. رجوع به بیانات پیشین رهبر انقلاب نیز نشان می‌دهد این صفت با ویژگی بصیرت نزدیکی بسیاری دارد. بصیرتی که همه‌آحاد مردم نیازمند آن هستند و بدون شک این ویژگی در نفر اول اجرایی کشور باید بسیار برجسته و پررنگ باشد. البته بصیرت نیز وجوه و ابعاد مختلفی دارد اما باز هم به نظر می‌آید هوشیاری و بیداری نسبت به شرایط جبهه‌خودی و بخصوص دشمن، یکی از ابعاد بسیار مهم آن است. «امیرالمؤمنین در کتاب نهج البلاغه میفرماید: «من لام یمن عنه»؛ یعنی اگر شما غفلت کردید، دشمن شما لزوماً غفلت نخواهد کرد؛ مراقب دشمن باید بود. این مخصوص اینجا هم نیست. این توصیه‌ی ما به همه‌ی مردم کشور و همه‌ی قشرهای فعال و آگاه و هوشیار کشور است: باید آگاهی‌ها را حفظ کنید.» ۱۳۸۸/۲/۲۹ و یا یک سال پیش از آن در جمع مردم کارزون تأکید می‌کنند. «باید بیدار باشیم: «العالَم یزمانه لا تهجم علیه اللوایس». اگر صحابه را بشناسیم، عرصه را بشناسیم، دشمن را بشناسیم، نقشه‌ی دشمن را بدانیم، غافلگیر نخواهیم شد.» ۱۳۸۷/۲/۱۶

و بالاخره ویژگی «معتقد به مبانی انقلاب»؛ مبانی و اصول انقلاب از جمله موضوعاتی است که رهبر انقلاب تا کنون بارها بر آن تأکید و چندین بار هم به طور تفصیلی درباره آن سخن گفته‌اند. رجوع به این بیانات نشان می‌دهد ایشان سیره نظری و عملی حضرت امام راحل در مبارزه و حکومت داری را، خط کش و شاقول اصلی مبانی انقلاب می‌دانند؛ «امام رحمة‌الله «مظهر انقلاب اسلامی» است و بر همین اساس، بیانات ایشان که در ده‌ها جلد کتاب مدون شده، «مبانی انقلاب» است. براساس سخنان امام رحمة‌الله، موضوع «مردم»، «استقلال کشور»، «تدین و پایبندی به مبانی اسلامی»، «مبارزه با استکبار و زورگویی»، «مسأله‌ی فلسطین»، «موضوع معیشت مردم»، «توجه به مستضعفین و رفع فقر»، خطوط اصلی انقلاب هستند که از ترکیب آنها «هندسه‌ی انقلاب» به‌دست می‌آید.» ۱۳۹۴/۱/۱۴ (خط حراب‌الله)

موضع دشمنان در انتخابات راجدی بگیریم!

محسن صیاد قنبری

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان قسم خورده انقلاب همیشه سعی داشته‌اند که مردم را از نظام زده و جدا کنند و چه بسا در این راه هزینه‌های نجومی بسیار زیادی را نیز متحمل شدند. یکی از گزینه‌هایی که دشمنان برای تضعیف و یا حتی براندازی نظام روی آن حساب باز می‌نمودند مسأله انتخابات است که با جنگ‌های رسانه‌ای و شانتاژهای تبلیغاتی دو هدف عمده در آن دنبال می‌شد یکی تضعیف مشارکت و دیگری انتخاب فرد غیراصلاح و یا همسوی آنها.

در یک مقطعی با امکانات رسانه‌ای خود سعی دارند مردم را از شرکت در پای صندوق‌های رأی منع کنند و در مقطعی دیگر که نمی‌توانند جلوی تحقق مشارکت حداکثری مردم را بگیرند تلویحا آنها را به منظور انتخاب فرد و یا افرادی که افکار و تمایلات غرب‌گرایانه دارند و می‌توانند در آینده برای آنها تأمین منافع را در پی داشته باشند، مردم را تشویق به انتخاب آنان می‌نمایند.

بنابراین یکی از معیارهای انتخاب شخص یا اشخاص اصلاح، رصد تحركات تبلیغاتی و جنگ روانی دشمن می‌باشد. باید در موضع‌گیری‌های دشمن در له یا علیه نامزدها تأمل نمود. باید به تیرها و اغراض آنها در سخنانشان توجه کرد. دشمنان همیشه به دنبال زدن نامزدهایی با معیارهای دینداری، معتقد بودن به مبانی انقلاب اسلامی و ولایت فقیه و استکبارستیز هستند که ما باید عکس آن عمل نماییم و بدنبال انتخاب این افراد با این معیارها باشیم. تعریف و تمجید دشمن از یک نامزد انتخاباتی جای شک و تردید دارد.

پس به سخنان و تبلیغات نامزدهای انتخاباتی باید دقت نمود که در چه سمت و سویی می‌باشد تا دقت بیشتری در انتخاب درست فرد یا افراد صورت گیرد. حضرت امام خمینی (ره): «باید هیچ سستی نکنیم و از این ترس نداشته باشیم که فلان رادیو و یا دولت خارجی چه می‌گوید، رادیو‌ها باید به ما فحش بدهند. آن روزی که آمریکا از ما تعریف کند باید عزا گرفت. آن روز که کاتر و ریگان از ما تعریف کنند معلوم می‌شود در ما اشکالی پیدا شده است.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۴۲). «توقع نداشته باشید که آنها از ما تعریف کنند، اگر آنها از من طلبه و شما تعریف می‌کردند، ساقط می‌شدیم.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۵)

سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار با مردم نجف آباد در سال ۱۳۹۴: «از ادبیات سیاسی دشمن استفاده نکنیم/ دشمنان انقلاب از روز اول تعبیر «تندرو» و «میانه‌رو» را استفاده کردند/ از نظر آنها از همه تندروتر، امام بزرگوار بود؛ امروز هم بنده‌ی خفیر را از همه تندروتر می‌دانند.» «همه باید مراقب نفوذ باشند/ وقتی می‌بینید دشمن برای ایجاد دودستگی از شما تعریف می‌کند بی‌درنگ ابراز بی‌زاری کنید/ شما که می‌دانید دشمن قصد تفرقه دارد، نگذارید/ امام گفتند وقتی دشمن از شما تعریف می‌کند، ببینید چه اشتباهی کرده‌اید/ برگردیم به «فرصت» است، نباید تبدیل به «تهدید» بشود!

«آمریکا بعد از مذاکرات یک نقشه برای منطقه دارد و یک نقشه برای ایران/ این برای ما روشن شده/ برای داخل، دشمن از نفوذی‌ها استفاده می‌کند/ نفوذی حتماً این نیست که از دشمن پول گرفته باشد/ امام فرمودند گاهی حرف دشمن با چند واسطه از دهان آدم موجه شنیده می‌شود.» انتخابات یک «فرصت» است، نباید تبدیل به «تهدید» بشود!

چرا رفتار هواداران بر صلاحیت نامزدها موثر است؟

علی مهدیان



که خطاها و ضعف‌های کاندیداها توسط هواداران نباید نادیده گرفته شود، خطاهای هواداران هم باید توسط کاندیداها جدی گرفته شود. این روحیه برای رئیس جمهوری ایران اسلامی که بنای پیشرفت و رشد مردم را دار نه قدرت طلبی یک نشانه مهم و یک روش جدی است.

در جبهه انقلاب هستیم باید وحدت، یکپارچگی و ید واحد را به‌نمایش بگذاریم؛ از هر یک از نامزدها گرفته تا ستادها این موضوع را رعایت نکنند، اولین ظلم را به انقلاب اسلامی، به شهدا و به سیدالشهدای خدمت کرده‌اند.»

جلیلی نیز همین مضمون را با طرفداران خود در سندها در میان می‌گذارد و می‌گوید: «هیچ حرکت تخریبی، هیچ حرکتی خلاف تقوا، هیچ حرکتی خلاف اصول اخلاقی نسبت به هیچ یک از نامزدهای محترم نباید صورت بگیرد. برای اداره کشور برنامه داریم، فرصت پرداختن به حواشی نیست.»

اما صحنه طرفداران متفاوت است. فرهنگ رقابت‌های قبلی هنوز هم بین آنها حاکم است. توهین، تهمت، دروغ، تخریب، تحریف و بسیاری روش‌های زشت در فضای مجازی خیلی‌ها را کلافه کرده. این شرایط هم گفتمان انقلاب و راه شهدای خدمت را خراب می‌کند و هم به ضعف کشور

چند هفته پیش چه کسی می‌توانست فکرش را هم کند که این روزها کشور در کش و قوس آمادگی برای انتخابات ریاست جمهوری باشد. آن ساخته تلخ و ناگوار که منجر به از دست دادن «شهیدان پرواز اردیبهشت» شد، کشور را در بهتی بزرگ و «مصیبتی سنگین» فرو برد و ناگزیر از برگزاری انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری کرد تا جانشین شهید رئیسی از سوی مردم تعیین شود.

ملت در تشییع «رئیس عزیز» و همراهانش سنگ تمام گذاشت و با حضور پرشور و میلیونی خود «در مقابل این حادثه تلخ حماسه آفرید.» زن و مرد و پیر و جوان در گوشه گوشه کشور نشان دادند که قدرشناس زحمات خالصانه مسئولین کشورند و به فرموده رهبر انقلاب: «مردم قدردان خدمتگزاران خودشان هستند؛ این را مسئولین ما بدانند، توجه کنند. مسئولین خیال نکنند که اگر خدمتی کردند، این از یاد مردم خواهد رفت؛ نه، مردم می‌شناسند، می‌فهمند، قدردانند؛ این مشوق خدمت است.» ۱۴۰۳/۳/۱۴

■ **انتخابات باشکوه: تکمیل حماسه بدرقه شهیدان**

انتخابات پرشور ۸ تیر مکمل حماسه بدرقه «شهیدان پرواز اردیبهشت» است. همانقدر که حضور در حماسه تشییع، دارای پیام‌های معنادار و متعدد برای دوستان و بدخواهان جمهوری اسلامی و ملت ایران بود، رقم زدن حماسه‌ای دیگر پای صندوق‌های رأی نیز واجد پیام‌هایی بسیار مهم و اثرگذار است. «انتخاباتی که پیش روی ما است، کار بزرگی است؛ این انتخابات یک پدیده‌ی پرستاورد است؛ این انتخابات که در پیش روی ما است اگر ان‌شاء‌الله با خوبی و شکوه و عظمت برگزار بشود، یک دستاورد بزرگ برای ملت ایران است. [اینکه] بعد از این حادثه‌ی تلخ، مردم جمع بشوند با آراه بالا مسئول بعدی را انتخاب بکنند، انعکاس این در دنیا انعکاس فوق‌العاده‌ای است؛ لذا این انتخابات بسیار مهم است. این حماسه‌ی انتخابات، مکمل حماسه‌ی بدرقه‌ی شهیدان است؛ این کار مکمل کاری است که قبلاً در بدرقه‌ی شهیدان کردید.» ۱۴۰۳/۳/۱۴

■ **انتخاب بهینه با ملاک و معیارهای دقیق**

به موازات برگزاری انتخابات باشکوه و با عظمت، سپردن سکان اجرایی کشور به دست فردی شایسته نیز بسیار مهم و قابل تأمل است. مردم در هشتم تیر، سرنوشت دولت که عهده‌دار بسیاری از امور اساسی کشور است را به منتخب خود می‌سپارند. انتخابی که بر بسیاری از وجوه کشور اثر می‌گذارد و از جهات مختلف مهم و حیاتی است. انتخاب درست و هوشمندانه، نیاز به شاخص دارد. رهبر انقلاب اسلامی در دوره‌های مختلف، درباره شاخص‌های اصلی منتخبان شایسته سخن گفته‌اند که همچنان قابل رجوع و استفاده هستند. ایشان در سخنرانی اخیرشان هم در دو فراز به این موضوع مهم پرداختند.

رهبر انقلاب در سخنرانی ۱۴ خرداد امسال در حرم مطهر حضرت امام خمینی، در بخشی از بیاناتشان به ویژگی‌های اخلاقی و مدیریتی شهید رئیسی پرداخته و بیش از ده صفت و ویژگی برجسته درباره ایشان ذکر کردند؛ «در باب خود رئیس جمهور عزیزمان — که رحمت خدا بر او باد — همه اعتراف کردند که مرد کار بود، مرد عمل بود، مرد خدمت بود، مرد صفا و صداقت بود؛ این را همه اعتراف کردند. شب و روز نمی‌شناخت. در خدمتگزاری به کشور، یک نصاب تازه‌ای را به وجود آورد. ما قبلاً هم شخصیت‌های خدمتگزار داشته‌ایم، اما نه در این حد، نه با این حجم، نه با این کیفیت، نه با این صداقت، نه با این پرکاری و شب و روز نشناختن؛ یک نصاب جدیدی را آقای رئیسی (رحمة الله علیه) در باب خدمتگزاری به ملت ایجاد کرد. در مسائل خارجی، از فرصتها به بهترین وجهی استفاده کرد. این‌همه تحرک خارجی و سفر خارجی آثار ارزشمند و بایرکتی برای کشور داشت، هم برای امروز کشور، هم برای فردای کشور. ایران را در چشم رجال سیاسی دنیا بزرگ‌تر و برجسته‌تر کرد. انقلاب اسلامی را، ملت ایران را، در بیانات خود و در اظهارات خارجی خود، درست تعریف کرد و شناساند؛ لذا رجال سیاسی‌ای که امروز درباره‌ی او حرف می‌زنند، از او به عنوان یک چهره‌ی برجسته حرف می‌زنند؛ این برای ما که سالهای متممادی با مسائل خارجی سروکار داشتیم، چیز جدید و بارزشی است. سبک مدیریت او در بین همکاران خودش یک سبک ویژه‌ای بود، با صمیمیت همراه بود؛ با همکارانش، با وزرا، با مدیران دولتی با صفا و صمیمیت رفتار میکرد. برای مردم، کرامت قائل بود، عزت قائل بود؛ به مردم، به جوانها برای اظهار نظر میدان میداد؛ حرمت مردم را نگه میداشت. به جوانها اعتماد میکرد، جوانها را تکریم میکرد. به کسانی که به خود او بدی کرده بودند، با کرامت برخورد میکرد؛ به کسانی که حتی به او اهانت کرده بودند، پاسخ تند، پاسخ زشت، پاسخ عصبی نمیداد. مقابلاً در مرزبندی با دشمنان انقلاب صراحت داشت؛ در مورد کسانی که با انقلاب بد

محمد حسن قدردان قراملکی



آیات متعددی در قرآن کریم در باره امامت امام علی (ع) وارد شده است که در منابع مختلف تبیین و تفسیر شده است و هر کس با انصاف به این آیات بنگردد امامت الهی آن حضرت برایش منکشف می‌شود. اما این که نام آن حضرت در آیات ذکر نشده است. این شبهه در عصر ائمه اطهار مانند امام باقر(ع) هم مطرح بوده است. در پاسخ شبهه فوق نکات ذیل قابل تأمل است:

الف. عدم نیاز با وجود آیات اختصاصی علی(ع):

در برخی از آیات در ظاهر به صورت کلی صفاتی چون امامت، ولایت، طهارت و عصمت به بعضی صحابه نسبت داده شده است که در مقام واقع مصداقی جزء حضرت علی(ع) ندارد. مثلاً آیه ولایت «لما ولیکم الله» که شأن نزولش آن حضرت و اعطای زکات در حال رکوع است. برخی از آیات نیز در مورد شخصیت حضرت علی(ع) و معرفی وی به عنوان امام ولی، مولی، هادی و اهل‌البیت نازل و دلالت شفاف دارند که مورد اتفاق همه یا اکثریت صحابه بود. پس در اصل تطبیق آیات ولایت، اهل‌بیت، اولی الامر، هادی، مولی به حضرت علی(ع) هیچ مشکل و کژ فهمی وجود نداشت تا به ذکر نام خاص آن حضرت نیاز و ضرورت احساس می‌شد.

اگر پدری هنگام مرگ وصیت کند که وصی من از میان فامیل یا پسرانم کسی است که حافظ همه قرآن یا پزشک باشد و بنابر فرض نیز تنها یک پسر به نام X حافظ کل قرآن یا پزشک باشد، در این فرض به ذکر نام پسر نیازی احساس نمی‌شود و بر پدر اشکال حقوقی گرفته نمی‌شود که چرا نام وصی یا حافظ قرآن را به صورت خاص مشخص نمی‌کند؟ چرا که گفته می‌شود، حافظ کل قرآن در میان پسران یکی بیش نیست. علاوه بر این، اگر پدر قبل از فوت خود نیز به حافظ بودن پسر خود یا وصی بودنش تاکید و اهتمام داشته باشد. در مورد خلیفه و امام بودن حضرت علی(ع) نیز عین این جریان بلکه افزون‌تر از آن تکرار شده است.

ب. امکان شبهه در صفات منسوب به حضرت:

اگر نام حضرت هم در قرآن با انتساب صفاتی چون امام، ولی و خلیفه و

فلسفه عدم ذکر نام علی(ع) در قرآن؟

معادل آنها ذکر می‌شد، بازهم ممکن است در تفسیر معنای امام و خلیفه شبهه و تردید ایجاد شود. به دیگر سخن شبهه از موضوع خود (عدم ذکر نام علی در قرآن) به شبهه دیگر (اجمال و ابهام اوصاف منسوب به علی(ع)) تحویل می‌گردد و این خود شبهه دیگر می‌شود. در تایید این وجه می‌توان به ایجاد شبهه در روایات نبوی اشاره کرد که در آنها دقیقاً اسم آن حضرت با صفت امام، خلیفه، ولی و غیره آمده است، لکن مخالفان نه در مصداق علی(ع) بلکه در معنای آن جرح وارد کردند.

ج. ذکر نام حضرت در روایات نبوی:

اشاره شد نام حضرت علی(ع) به طور شفاف در روایات پیامبر اسلام(ص) به عنوان امام و خلیفه و غیره مورد تاکید قرار گرفته است. پیامبری که در خود قرآن کلامش عین وحی «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»، (نجم ۳ و ۴)؛ و شخصیتش هم مفسر و مبین قرآن معرفی شده است. «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»: «بَيِّنُوا عَلَيْنَهُمْ آيَاتِهِ وَبَيِّنْهُمْ وَيَعْلَمُوهُمْ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»[۳]. این جواب در روایت منقول از امام باقر(ع) آمده است[۴]. با این وجود مخالفان در دلالت آن بر امامت حضرت شبهه وارد کرده و به تاویل و انکار نصوص مختلف نبوی پرداختند.

باری اگر کسی بگوید که من - العیاذ بالله - پیامبر(ص) را قبول ندارم و باید نام حضرت علی(ع) در قرآن ذکر می‌شد، باید گفت اولاً کسی که آورنده قرآن یعنی پیامبر را قبول ندارد، چگونه به کتاب آسمانی بودن آن علم پیدا کرده است و ثانیاً چنین شخصی مسلمان نمی‌تواند باشد و خوشبختانه ما نیز بر چنین قابلی دست نیافته‌ایم.

د. جلوگیری از تحریف قرآن:

برخی تمام فکر و غم خودشان را برای بدست گرفتن زمام حکومت و خلافت بعد از رحلت نبوی گذاشته و برای این منظور به هر وسیله‌ای تمسک می‌کردند، حتی حاضر به تحریف قرآن بودند. خداوند برای صیانت آخرین کتاب آسمانی به جای ذکر نام حضرت علی(ع) در قرآن به اوصاف منحصره آن حضرت و هم چنین روایات نبوی اکتفا نمود تا هم اصل غرض یعنی معرفی و نصب حضرت علی(ع) به خلافت و هم جلوگیری از تحریف قرآن قابل تحقق باشد.

ه. پیش‌گیری از آسیب‌های سیاسی و امنیتی:

نکته دیگر به نظر نگارنده خطور کرده و آن این که خداوند متعال در عدم ذکر نام حضرت علی(ع) به عنوان جانشین و امام و حاکم بعدی تعدد داشته است، نه به دلیل این که خداوند از این طریق مومن واقعی و به اصطلاح سره را از ناسره معلوم و امتحان کند، بلکه به این دلیل که خداوند با علم ازلی خویش می‌دانست بحث حکومت و سیاست عرصه و جولانگاه مناقشات، رقابت‌ها و چه بسا جنگ‌های داخلی سیاسی و خونین است. اگر در قرآن و وحی به

طور خاص و به صورت یک اصل و رکن نام حضرت علی(ع) به عنوان خلیفه و امام بعدی ذکر شود، طرفداران و مخالفان حضرت علی(ع) یکی به دلیل دفاع از اصل قرآنی و دیگری به بهانه‌های مختلف مانند توجیه مقام امامت، خلافت یا گرفتن زمام حکومت و قدرت به مقابله و ستیز با همدیگر روی آورده و این برای درخت نوبی اسلام آفت بلکه چه بسا اصل حیات آن را تهدید می‌کرد.

چنان که متعصبان اهل سنت و تشیع یکدیگر را به کفر و خروج از اسلام متهم نموده و به قتل و ترور مخالف خود نیز دست زدند و تاریخ صدها بلکه هزاران نفر را در خود ثبت کرده است. در حالی که اسلام و قرآن هیچ بیان و اختلافی از مخالف حضرت علی(ع) بالصراحه ذکر نکرده است. حال اگر چنین نصی در قرآن بود آمار نزاع‌ها، درگیری‌ها، قتل‌ها و تکفیرها به صورت جهشی بالا می‌رفت و این خود بزرگترین آسیب اسلام و مسلمانان می‌شد، در حالی که هدف از امامت تقویت اسلام و رهبری بوده و این خلاف غرض محسوب می‌شد. لذا خداوند برای پیش‌گیری از تضعیف و آسیب اسلام و مسلمانان امامت حضرت علی(ع) را نه مطلقاً ترک نمود بلکه آن را با ذکر اوصافی در قرآن یا روایات پیامبر ذکر و تبیین نمود تا هم اصل مطلب بیان و روشن گردد و هم از بسترسازی برای ظهور مناقشات و آسیب‌ها جلوگیری شود.

و. لحاظ مصلحت مسلمانان:

نکته دیگری که به نظر می‌رسد این که اگر نام حضرت علی(ع) در قرآن به عنوان یک اصل یا آموزه دینی در کنار آموزه‌های مانند نبوت، معاد یا احکام فقهی مثل نماز، روزه وارد می‌شد، تردید یا انکار آن‌ها به منزله انکار پیامبر و خداوند و با کفر و الحاد و ارتداد مساوی تلقی می‌شد که لازمه آن خروج از دایره اسلام و صراط مستقیم است. بنابراین اگر نام حضرت علی(ع) در قرآن ذکر می‌شد مخالفان حضرت با انواع حیل‌ها و راهکارها به انکار و تکذیب اصل فوق روی آورده و کثیری از مردم را نیز به سوی اهداف خود می‌کشیدند که این موجب خروج جمع زیادی از اسلام و مسلمانی می‌شد و این بر خلاف غایت حکمت، رحمت الهی است. عالمان شیعه که امامت را نه رکن دین «اصول دین» بلکه از فروع مذهب تلقی می‌کنند به مسأله امامت از همین منظر نگاه می‌کنند و معتقدند بردارن اهل سنت با انکار اصل امامت حضرت علی(ع) نه از دین بلکه از مذهب تشیع خارج شده‌اند. اما اگر اسم حضرت علی(ع) به عنوان امام و خلیفه بلافصل در قرآن ذکر می‌شد برای این تلقی و قرائت از «امامت» مجالی باقی نمی‌ماند، چرا که منکر امامت حضرت علی(ع) مانند منکر اصل نبوت یا نماز تلقی و بروی حکم مرتد جاری می‌شد. پس خداوند از باب لطف و خیرخواهی مسلمانان نام حضرت علی(ع) را در قرآن به عنوان فوق ذکر نکرده است.

تدبیر فرهنگ در دولت آینده-۳

مهدی جمشیدی

توانسته‌اند از گفته‌های «خطابی» و «سطحی» عبور کنند و وارد حوزه «نظریه فرهنگی» بشوند و یک رهیافت فاخر و عالی را پدید بیاورند. این نوع عمل‌گرایی، موجب شده که دولت‌ها فاقد عمق معرفتی و وجه حکمی باشد و تنها به روزمرگی‌های فرهنگی بسنده کنند و سخن‌شان مبتنی بر دلیل نباشد. گفتارها و اندیشه‌های نامستند به نظریه فرهنگی، غرق‌شدن در جزئیات را در پی دارد؛ چنان‌که مشاهده کرده‌ایم که به‌جای مباحثه‌ها و مناقشه‌های فاخر و راهبردی و عالمانه و سیاسی، درگیری‌ها و غدغه‌ها در سطح اعطای مجوز و حمایت مالی و قواره سانسور و ... بوده است. روشن است که دولت‌های برآمده از ائتلاف‌های عمل‌گرایانه و سیاست‌بنیان که بر منطق سپه‌بندی تکیه داشته‌اند، بر «نظریه فرهنگی واحد»ی اصرار ندارند و به هدف راه‌یابی به قدرت و تداوم ماندگاری‌شان بسنده می‌کنند. بدین جهت است که دولت‌ها، اغلب مبتلا به چندصدایی و گسست درونی بوده‌اند و نتوانسته‌اند یک مسیر و مدار فرهنگی را به صورت یکپارچه و همگون طی کنند.

[سوم]. عنصر مغفول دیگر که همواره چالش‌زا بوده، «کارگزاران فرهنگی» است. فرهنگ، عرصه بسیار پیچیده و تودرتو و دشواری است که تدبیر آن از عهده بسیاری بر نمی‌آید. فهم فرهنگ و منطق مواجهه با آن، به‌واقع محتاج تأمل و تعمق است و کسی که امر فرهنگی را آنچنان که درخور است «فهم» و «هضم» نکرده، از «صرف» آن و «ولایت» بر آن نیز عاجز است و جز به قشری‌گری و روزمرگی و صورت‌اندیشی میل نخواهد کرد. آن که تدبیر فرهنگ را به دست می‌گیرد باید درک تمدنی و عقلانیت فلسفی داشته باشد تا قادر به غور و تعمق باشد. افزون‌براین، «انس با فرهنگ» نیز ضروری است؛ «تجربه زیسته» و «کشگری عینی» در فرهنگ است که می‌تواند عقل فرهنگی را بیروناند و ساخته و پخته گرداند. کارگزار فرهنگی باید درک وجودی از فرهنگ داشته باشد و این میسر نمی‌شود مگر با آمیختگی و انس حیاتی با عالم فرهنگ. این در حالی است که کارگزاران از میان ضغفا و متوسطان برگزیده می‌شوند و نه متفکران و اهل فضل. البته هر که مدرس دانشگاهی است و مدارج علمی را پی‌آمده، شایسته تدبیر فرهنگ نیست؛ تدریس، همان تدبیر نیست و استادی نیز ملازمه‌ای با امکان ولایت و تصرف نسبت به فرهنگ ندارد.

[یکم]. مسأله فرهنگی اصلی و کلان که باید صدرنشین دغدغه‌های دولت باشد، «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی» است. مقصود از «ساختار فرهنگی» در اینجا، «ساختار ذهنی جامعه» است؛ یعنی گرایش‌ها و ترجیحات فکری و میلی جامعه که به رفتارها و سبک زندگی جامعه جهت می‌دهد. عمیق‌ترین لایه در فرهنگ، همین ذهنیت‌هاست که گاهی به آن باور نیز گفته می‌شود. از این رو، نقطه آغاز منطقی تغییر فرهنگ، ذهن و فکر و اندیشه است و چنانچه این لایه، اصلاح و بازسازی شود، می‌توان به تغییر لایه‌های دیگر نیز امید داشت. اکنون، مسأله این است که «یافت ذهنی» بخش‌هایی از جامعه نسبت به ارزش‌ها و فضیلت‌های اولیه انقلاب، دگرگون شده است و از این جهت، باید این فاصله‌ها و زاویه‌ها را زود و این پاره از جامعه را به وضع فرهنگی آغازینش بازگرداند. این «ذهنیت خراشیده‌شده»، مصداق‌هایی همچون «ضعف در اعتمادبه‌نفس هویتی»، «غربزدگی و بیگانه‌گزینی معنایی» و «شهرت‌طلبی» دارد. آفتابی همچون «اصالت بدن» و «بدن‌نمایی» و «طلب برهنگی» و «کشف حجاب» و «میل به مهاجرت» و ... جلوه‌های بیرونی این تغییر نگرشی هستند. در مقابل این «مواجهه فعال» که بر بازسازی و تغییر تاکید دارد، «مواجهه منفعلانه» نشسته که از تکثر و عادی‌سازی دفاع می‌کند. پس باید انقلاب و منطق و غایت فرهنگی آن را اصل و اساس انگاشت و نسبت به آن، درباره وضع فرهنگی دوری کرد؛ چراکه این انقلاب، برآمده از سنت هویتی ماست و خویشتن فرهنگی ما را احیا و مستقر کرده است. انقلاب و نظام سیاسی برآمده از آن، در برابر جامعه و بلکه متباین با آن نیست، بلکه از لحاظ هویتی و فرهنگی، نسبت این‌همانی میان این دو برقرار است. انقلاب و نظام، حاصل تجلی بیرونی و ساختاری اراده جمعی است، و جوش و خواست طبیعی جامعه، آن را مستقر کرده است. جمهوری اسلامی، برآیند کلی و نهایی اراده اجتماعی است و هر گونه تلاش برای التقای دوگانگی میان این نظام سیاسی و جامعه خطاست.

[دوم]. نخستن چالشی که در سطح دولت با آن مواجه هستیم، «فقدان نظریه فرهنگی» است. هیچ‌یک از دولت‌ها تاکنون، مبتنی بر یک نظریه فرهنگی مشخص و مدون، کنش خویش را صورت‌بندی نکرده‌اند، بلکه ماهیت نگاه فرهنگی آن، چیزی جز تعدادی گزاره «کلی» و «مبهم» و «تکراری» و «اداری» نبوده است. دولت‌ها



نگاهی به یک اثر برنده جایزه نوتیلوس؛ «ش کو؟!» در داستان‌هایش راوی مبارزه با باورهای انگیزشی غلط است

کتاب «ش کو؟!» براساس نظریه شکوفایی از مارتین سلینگمن که چندین سال عهده‌دار منصب ریاست انجمن روان‌شناسان آمریکا (APA) بود، نوشته شده است. این نظریه پنج مؤلفه اصلی با عناوین هیجانات مثبت، مجذوب شدن، معنا، روابط مثبت و دستاورد دارد.

میرصادقی پس از مدت زمان طولانی تحقیق در مورد این نظریه و سپس تحقیق و پژوهش چندین ساله در عمق نظریه شکوفایی، موفق به طراحی دوره‌ای آموزشی از این کتاب شده و به تدریس آن پرداخته است. اما اهمیت نظریه شکوفایی و تأثیری که می‌تواند در زندگی مردم داشته باشد به حدی بود که وی تصمیم گرفت با را از این فراتر گذاشته و کتابی در مورد آن بنویسد.

«ش کو؟!» در واقع از شش کتاب مجزا تشکیل شده و هر کدام از این کتاب‌ها (بخش‌ها) به یکی از ابعاد مهم زندگی خواننده کمک خواهد کرد که عناوین گور بابای موفقیت، بمیر تا دوباره متولد شوی، راه و روش مست کردن، بی‌همه‌چیز ناشییم، وصال اینجا نیست و معنا از آن جمله به شمار می‌آید.

هر کتاب با یک چک شروع می‌شود یعنی قسمتی از کتاب که به شما گوشزد می‌کند اگر آن را نخوانید، ممکن است چه اتفاقات بدی برایتان رخ دهد؛ سپس کتاب با یک داستان ادامه پیدا می‌کند، داستانی که زندگی شخصیت‌های هر جلد را برملا می‌کند.

بعد از خواندن داستان شخصیت هر جلد، بخش تقدیم و درس پیش روی خواننده قرار می‌گیرد و تمام بخش‌های مختلف کتاب به این منظور نوشته شده‌اند که به خواننده کمک کنند درس‌ها را بهتر متوجه شود. «ش کو؟!» در مجموع شش شخصیت مختلف دارد که هر کدامشان داستان زندگی خود را شرح می‌دهند؛ ولی تدریس درس‌ها به عهده استاد است. درس‌ها در اصل مهم‌ترین بخش‌های این کتاب هستند و بقیه بخش‌های کتاب به این منظور نوشته شده‌اند که درس‌ها را برای خواننده ملموس‌تر کنند. نویسنده با خلق شخصیت‌هایی مختلف، موفق شده درس‌ها را به شکلی ملموس به خواننده خود ارائه کند.

نظریه شکوفایی بسیار پیچیده است. همین هم باعث شده تا فهم آن برای عموم مشکل باشد. حتی بسیاری از روان‌شناسان نیز با درک کامل و دقیق این نظریه مشکل دارند.

«ش کو؟!» نظریه شکوفایی مارتین سلینگمن را به زبانی ساده توضیح داده است؛ زبانی که برای عموم مردم قابل فهم و درک باشد. «ش کو؟!» اولین کتابی در دنیاست که درباره نظریه شکوفایی مارتین سلینگمن نوشته شده است. نویسنده در این کتاب به مبارزه با باورهای انگیزشی غلط و مطالبی که همه ما به‌طور روزمره در اینستاگرام می‌بینیم رفته است. او سعی کرده به ما نشان دهد که چطور می‌توان در عین مواجهه و مقابله با مشکلات روزمره زندگی، به شکوفایی رسید.

کتاب «ش کو؟!» به تازگی مدال نقره جایزه معتبر و بین‌المللی نوتیلوس (Nautilus book awards ۲۰۲۴) را در حوزه روان‌شناسی / سلامت ذهنی و عاطفی از آن خود کرد. نوتیلوس یک جایزه ادبی بین‌المللی معتبر است. این جایزه که سال ۱۹۹۸ در ایالات متحده تأسیس شد، به کتاب‌هایی تعلق می‌گیرد که به ارتقای صلح، رشد معنوی، آگاهی محیط زیستی و عدالت اجتماعی کمک می‌کنند.

نوتیلوس که شعارش «کتاب‌هایی بهتر برای جهانی بهتر» است، هر ساله به نویسندگان و ناشرهایی اهدا می‌شود که از طریق کتاب‌های الهام‌بخش و تأثیرگذار خود، زمینه ترویج آگاهی و رشد جمعی را در جامعه فراهم می‌کنند. انتخاب کتاب‌های برنده نوتیلوس در سه مرحله انجام می‌گیرد. استادان دانشگاه، ناشران، نویسندگان، ویراستاران، کتابخانه‌داران، معلمان مدرسه و صاحبان کتاب‌فروشی‌ها، در انتخاب برندگان جایزه نوتیلوس نقش‌آفرینی می‌کنند. کتاب‌هایی که برنده این جایزه می‌شوند باید موفق به کسب آرا در هر سه مرحله شوند. چنانچه یک کتاب نتواند در هر سه مرحله نظر هیئت داوران را جلب کند، از روند دریافت جایزه کنار گذاشته می‌شود.



آمریکان جسم‌استعمارفرانو

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به دنبال آن پایان جنگ سرد و از بین رفتن ساختار دو قطبی نظام بین‌الملل در اوایل دهه ۱۹۹۱ -زمینه بسیار مناسبی برای ابرقدرت دیگر یعنی آمریکا به وجود آمد تا سلطه بدون رقیب خود را بر کل جهان بسط و گسترش دهد.

از این برهه زمانی تا به امروز ایالات متحده آمریکا به عنوان کشور مرکزی استعمارگر با بهره‌گیری از سیاست‌های استعماری فرانو، سعی کرده است کشورهای دیگر را زیر سلطه خود درآورد. باید توجه کرد ایالات متحده سیاست‌های استعمار فرانو را در بسترهایی همچون جهانی شدن و ابزارهای رسانه‌ای و با ظاهری مشروع و با شعارهای حقوق بشر، ایجاد صلح و امنیت استقرار دموکراسی و آزادی پیش برده است.

در این راستا، نظریه پردازان غربی و آمریکایی نیز سعی کرده‌اند با تئوری سازی، ارزش‌های لیبرال - دموکراسی را ارزش‌های بی‌بدیل تلقی و به سلطه بی‌چون و چرای آن در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کمک کنند. طرح دکترین‌ها و نظریاتی مانند دکترین نظم نوین جهانی، نظریه جنگ تمدن‌ها و نظریه پایان تاریخ مبنی بر معرفی لیبرالیسم به عنوان بهترین نظام اندیشگی و لیبرال‌دموکراسی به مثابه برترین و مطلوب ترین نظام سیاسی همگی در چارچوب این هدف قرار دارند.

یکی از ویژگی‌های مهم نظام سلطه به رهبری آمریکا ادعای داشتن یک ایدئولوژی و فرهنگ جهانی است. در حال حاضر، فراگیر کردن فرهنگ آمریکایی به معنای عام شامل شیوه زندگی آمریکایی، لیبرالیسم سیاسی - اقتصادی، نظام اقتصادی بازار آزاد، لیبرال دموکراسی، آزادی و حقوق بشر مهمترین رسالتی است که آمریکا به عنوان سردمدار استعمار فرانو بر دوش خود احساس می‌کند. ناگفته نماند از دید آمریکایی‌ها ایالات متحده به عنوان شهری بر فراز تپه در بالاترین سطوح اخلاقی و ارزشی در مقایسه با کشورهای دیگر قرار دارد؛ از این رو وظیفه ترویج شیوه تفکر آمریکایی، ارزش‌ها و سیستم سیاسی اش را به بقیه جهان بر عهده دارد. (کتاب کدخدایی شیطان به کوشش غلامعلی سلیمانی).

طوفان الاقصی و اثرات آن



اما مهم‌تر از همه سناریوی سوم است. در این سناریو که به نظر مورد اجماع سیستم امنیتی، نظامی و سیاسی رژیم است؛ اینگونه طراحی شده که ظرف دو هفته آینده، اعلام شود که عملیات نظامی ارتش اسرائیل در رفح به پایان رسیده است و از این مرحله سوم (به قول خودشان ضدتروریسم مانند عملیات النصیرات) آغاز می‌شود. در این زمان نیروها به شمال منتقل و ضربه کاری به حزب‌الله آغاز می‌شود. در این سناریو اعلام پایان جنگ صورت نگرفته و دشمن در سه نقطه حساس گذرگاه رفح، نزاریم و فیلادلفیا نیز باقی می‌ماند.

مشکلات این طرح نیز سه مسئله است:

اولاً چگونه باید اعلام کرد که عملیات رفح موفقیت آمیز بوده است زیرا اعلام پایان در رفح به معنای نوعی شکست است. ثانیاً با این کار حماس نیز به نوعی حفظ شده و طرح‌های روز بعد و ... نیز منتفی است. ثالثاً ضربه سنگین به حزب‌الله شاید بی‌فایده باشد چون باعث پاسخ سنگین‌تر حزب شده و در صورت آغاز جنگ، شاهد یک جنگ منطقه‌ای با حضور ایران خواهیم بود.

در این بین ذکر چند نکته الزامی است:

۱. ترور شهید حاج ابوطالب توسط رژیم در شهر جوبا که تقریباً نزدیک به شهر صور است با این هدف توسط رژیم صورت گرفت که این سیگنال را به حزب‌الله ارسال کند که آمادگی ثبت سقفی جدید را با افزایش سطح هدف‌گیری انسانی و غیرانسانی و گسترش جغرافیایی دارد.

طبعاً نیاز بود که حزب در پاسخ علاوه بر شکاندن بازدارندگی بیشتر دشمن صهیونیست، پرده‌ای از جنگ بزرگ آینده را نشان دهد. موشک‌باران پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی رژیم در قنات شرقی به عمق ۵۰ کیلومتری و همچنین زدن پایگاه الراهب با تکنیکال‌های ۲۳ و خمپاره‌های خاص نشان از آمادگی ورود زمینی حزب‌الله به اراضی اشغالی بود.

۲. عرصه فعلی، عرصه فشار نیروهای متضاد به صحنه است. در حالی حزب‌الله خود را برای جنگ گسترده آماده کرده که اطلاعات میدانی، شواهد خاصی از گسیل نیروی دشمن به شمال وجود ندارد هر چند خود این گسیل مشکلات لجستیکی و تاکتیکی دارد زیر ارتش دشمن تا عمق ۴۰ کیلومتری زیر آتش حزب بوده و ورود به این محدوده نیاز هر عملیات سنگینی است. اما همزمان سطوح امنیتی و نظامی فشار بی‌سابقه‌ای به سطح سیاسی برای اجرای راه‌حل در شمال می‌کنند.

در تل‌آویو نیز محاسبات به بن‌بست رسیده؛ برخی عقیده دارند ما که در غزه عملاً هزینه‌زا دادیم و حالا باید خطر لبنان را به هر قیمت رفع کرد اما برخی دیگر می‌دانند که دامنی و عمیق شدن آتش حزب تا جنوب اراضی اشغالی یعنی چه. این‌ها با هم‌زمان با تلاش آمریکا، فرانسه و کشورهای عربی برای دور کردن طرفین از جنگ گسترده است.

۳. این شرایط بن‌بست البته باعث نشده که طرف مقابل به رهبری آمریکا بخواهد سر عقل آمده و از در دست یعنی توقف جنگ غزه وارد شود؛ بلکه آمریکا نیز طرحی سه بندی برای آغاز دور جدیدی از فشار بر محور مقاومت آماده کرده است که می‌تواند منطقه را بار دیگر در آستانه انفجار بزرگ قرار دهد:

۱. اعمال سطح جدیدی از فشار به مقاومت فلسطین و مردم غزه برای وادار کردن آنها به تسلیم، شورش علیه حماس و پذیرش یک دولت جدید. این به معنای تداوم و حتی تشدید خشونت، محاصره و گرسنگی است.

۲. استفاده ازبازی از تصویر غزه در بیروت با تهدید لبنان مبنی بر اینکه اگر

تا پیش از ۱۵ مهر ماه ۱۴۰۲، ما برای تحلیل یک رویداد، می‌پایست چارچوب کلی وضعیت جهان را بررسی کرده و به تبع آن شرایط منطقه خاورمیانه را سنجیده و در نهایت یک تحول یا رویداد خاص در یک نقطه از منطقه را تحلیل می‌کردیم.

طوفان الاقصی این سیر تحلیلی را برهم زده و ما برای تحلیل هر رویداد اول باید بدانیم در خیابان‌های بیت حانون و بیت لاهیا و رفح و جبلیا از سوی و در تبادلات پیشنهادی دوحه و قاهره چه می‌گذرد تا بتوانیم شرایط جهان را درک کنیم. طبیعتاً در مسیر دوم، نقش جمهوری اسلامی ایران به شدت افزایش یافته است.

برای توصیف شرایط، شاید نیاز نباشد تا چندان مانور داد. ناکامی‌های پیامی رژیم صهیونیستی در غزه از ناکامی‌های میدانی، تلفات مادی و غیرمادی روزانه، تلوم شلیک به تل‌آویو، اسیرگیری، عبور از مرز و ورود به اراضی ۱۹۴۸، کمین‌های پیچیده، احیای سلول‌ها در نقاط ویران شده و ارتباط یکپارچه از رزمندگان در خیابان به فرماندهان میدانی به سنوار به ابوعبیده و اسماعیل هنیه تا عدم آزادی اسرا، شکاف‌های داخلی سیاسی، نظامی و امنیتی در کرپه، کابینه، کنست و خیابان تا شکاف‌ها با آمریکا و اعراب در کنار بی‌اعتباری کامل بین‌المللی فقط مخصصه غزه بوده است.

در لبنان نیز آوازی ۱۰۰ هزار نفر بدون ورود حتی یک رزمنده حزب‌الله به درون مرزها و تبدیل عمق ۴۰ کیلومتری فلسطین اشغالی به میدان تیر و تمرین آتش روزانه حزب‌الله که باعث تحمیل معادله امنیتی به دشمن و شکل‌گیری معضلی بدتر از غزه شده است، صرفاً پوسته بیرونی بحران در تل‌آویو است.

در این شرایط طبیعی است که دشمن نیز به دنبال راهکار و سناریو برای حل مشکلات خود باشد. سناریوی اول، توافق با حماس، پایان جنگ در غزه است که باعث خاموشی جبهات پشتیبانی شده و رژیم نیز با تهدید حزب‌الله، توافقی جدید را هم‌زمان در شمال محقق کرده و آوارگان به منازل خود برمی‌گردانند.

همه اما می‌دانند که سطح سیاسی این فاجعه را نه قبول کرده و نه توانایی قبول آن را دارد؛ فروپاشی دولت فعلی مستقر در تل‌آویو پس از اعلام توقف جنگ در غزه زودتر از چیزی است که فردی بخواهد تصمیم به حل معضل شمال بگیرد. این فروپاشی البته که منحصر به دولت نبوده و مانند گلوله‌ای مستقیماً هسته سخت رژیم را مورد اصابت قرار می‌دهد. این در کنار سایر معضلات مانند دشواری توافق با حماس و حزب‌الله است که پذیرش شروط مقاومت به معنای اعلام رسمی شکست است.

نکته اصلی هم این است که حتی ارتش نیز با این سناریو مخالف است و این طرح بیشتر پخته آمریکایی‌ها و کشورهای غربی است که آنها به دنبال اعمال شروط مقاومت نبوده‌زیرا می‌گویند در مقطع فعلی اگر نتایج شکست بخورد، اسرائیل شکست خورده و شکست اسرائیل یعنی شکست غرب. اما تداوم جنگ یا جنگی سنگین در لبنان ویرانگر است.

سناریوی دوم اما پیچیدگی بیشتری دارد.

خلاصه آن هم این است که با حماس توافق کرده و پایان جنگ را اعلام کنیم و با خرید زمان به سمت حزب‌الله رفته و ضربه کاری را وارد کنیم. مهم است توجه کنیم که ارتش رژیم عقیده دارد که ماندن کامل در غزه باعث از دست دادن شمال می‌شود پس باید کاری کرد. اما سطح سیاسی باز هم با این مسئله مشکل دارد زیرا علاوه بر مشکل قبلی در سناریوی اول، دولتی که جنگ را در غزه پایان دهد، توانایی آغاز جنگی دیگر در لبنان را نخواهد داشت.



بازنده‌هایی که برای جهان نسخه‌می‌پیچیند!

خواستم یک مطلبی در مورد این سران گروه هفت بنویسم؛ حوصله‌ام نشد. اما همین قدر به شما بگم این‌ها اسم خودشان را گذاشتند کشورهای مثلاً پیشرفته؛ صنعتی، جهان اول و... به جز ژاپن که آن در اشغال آمریکا است شش کشور دیگر غربی هستند و این در حالی است که برخی از کشورهای عضو به لحاظ تولید ناخالص ملی و یاحتی صنعتی از چین بسیار پایین‌تر هستند و حتی از هند و برزیل هم دارند عقب می‌افتند. با این حال آن زمان که همچنان جریان ثروت به سمت این کشورها بود خودشان را مطرح کردند و یک دوره‌ای روس‌ها را هم دعوت کردند تا کلاه سرشان بگذارند که گذاشتند.

بیانیه پایانی حضرات خیلی جالب است؛ برای خودش یک مقاله است که فقط نتوانسته‌اند به خورشید گیر بدهند که چرا این روزها این همه گرم است!! اما واقعیت آن است که در حالی که برای جهان نسخه می‌پیچند مردم در حال پیچیدن نسخه خودشان هستند. به جز ملونی که با انتخابات اخیر ایتالیا موقعیتش به شکل تقویت شد، موقعیت بقیه بسیار متزلزل است؛ بایدن روی لبه تیغ راه می‌رود، در کانادا حزب جاکم بدون شک انتخابات را خواهد باخت و در دیگر کشورهای اروپایی هم شاهد بودید که چگونه راست افراطی توانست قدرت بگیرد...

موقعیت سیاسی رهبران حاضر در استراحتگاه مجلل پولیا در ساحل دریای آدریاتیک چنان متزلزل است که حتی سی‌ان‌ان هم نوانست به سادگی از کنار آن رد شود و نوشت: به ندرت گردهمایی سالانه اقتصادهای پیشرو جهان تا این حد تحت‌الشعاع آسیب‌پذیری‌های سیاسی تقریباً همه اعضای آن قرار گرفته است. این امر پرسشی را ایجاد می‌کند که آیا کمیته به اصطلاح...

«راهبری جهان آزاد» (همانطور که دستیاران جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده بر گروه هفت برجسب زده‌اند)، واقعا می‌تواند در میان خشم و ناراضی مردمان خودشان مؤثر باشد یا خیر.

حالا این‌ها می‌خواهند برای دیگر کشورهای جهان نسخه پیچند که چه کنند و چه نکنند، چه خوب است و چه بد است! آن‌ها در حالی که توسط مردم خودشان رانده شده و هیچ اراده‌ای برای تداوم حکومت ندارند دست از «تکبر، غرور و خودبرتربینی» بر نمی‌دارند و همین هم عامل سقوطشان خواهد شد.



حمله تند چین به غربی‌ها: دست از تکبر و غرور بردارید

رهبران گروه ۷ هفته گذشته اجلاسی را در ایتالیا برگزار و در این اجلاس در خصوص روابط تجاری با چین، تنش‌ها در اوکراین و وضعیت دریای چین جنوبی به بحث و تبادل نظر پرداختند. سران جی‌۷ در بیانیه پایانی خود مدعی شدند که پکن برای روسیه تجهیزات و قطعاتی با کاربری دوگانه نظامی و غیرنظامی را می‌فرستد و به این طریق به مسکو در جنگ اوکراین کمک می‌کند.

سخنگوی وزارت امور خارجه چیندر واکنش به این بیانیه و حملات به چین با بیان اینکه رهبران این بلوک غربی در این بیانیه «به چین حمله و علیه آن افترازی کردند»، تصریح کرد که گروه هفت در این بیانیه «کلیشه‌هایی بدون پایه و اساس در واقعیت و بدون مبنای قانونی و توجیه اخلاقی و مملو از تکبر، تعصب و دروغ را باز تکرار کرده‌اند».

سران گروه هفت متشکل از آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان، کانادا، انگلیس و ایتالیا در بیانیه خود مدعی شدند چین در دریای چین جنوبی دست به «تعدی‌های خطرناک» می‌زند؛ اتهامی که چین رد می‌کند. با این حال تنش‌هایی در دریای چین جنوبی میان چین و همسایگانی که روی این منطقه ادعا دارند، وجود دارد. روز دوشنبه گارد ساحلی چین اعلام کرد کشتی‌های چینی و فیلیپینی بار دیگر در نزدیکی ناحیه کم عمق «توماس دوم» در دریای چین جنوبی با یکدیگر برخورد کرده‌اند. پهن: هر چه روابط میان غرب با چین و روسیه بدتر شود، بهتر است. کشورهای دیگر جهان در سایه زیاده‌خواهی و تکبر غربی‌ها شاید بتوان کمی نفس بکشند. غرب دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد و دستکش مخملی را برداشته و همه دستان چینی‌اش را...

رقابت آنکارا با مسکودر آسیای مرکزی و قفقاز



گسترده آنکارا قادر به بازپس‌گیری بخش قابل توجهی از سرزمینی بود که جمهوری ناگورنو-قره‌باغ به رسمیت شناخته نشده از اوایل دهه ۱۹۹۰ کنترل کرده بود.

اگرچه ولادیمیر پوتین میانجی‌گر آتش‌بس شد و به نیروهای حافظ صلح روسی دستور ورود به منطقه درگیری را داد، اما این واقعیت را تغییر نداد که جنگ با پیروزی متحد ترکیه، آذربایجان، و شکست متحد روسیه، ارمنستان به پایان رسید. بنابراین، ترکیه با مداخله نظامی در قفقاز جنوبی، انحصار نظامی روسیه در منطقه را شکست.

ترکیه و آذربایجان پیرو این موفقیت، اتحاد استراتژیک خود را در بیانیه شوشا ۲۰۲۱ تحکیم کردند.

در ادامه، سپتامبر ۲۰۲۳، آذربایجان به هدف سی ساله خود یعنی کنترل کامل قره‌باغ کوهستانی از طریق یک حمله نظامی «در مقابل چشمان محافظان صلح روسی» دست یافت و در آوریل ۲۰۲۴، روسیه خروج فوری و کامل نیروهای خود از قره‌باغ کوهستانی را اعلام کرد.

این به کشورهای ترک آسیای مرکزی نشان داد که همکاری با آنکارا می‌تواند منافع امنیتی واقعی به همراه داشته باشد.

قزاقستان و ازبکستان روابط دو جانبه خود با ترکیه را به سطح یک مشارکت راهبردی جامع ارتقاء داده‌اند و توافقاتی را برای توسعه همکاری‌های نظامی در زمینه‌هایی مانند آموزش، تمرینات نظامی مشترک و جمع‌آوری اطلاعات منعقد کرده‌اند.

صنعت دفاعی ترکیه به سرعت در حال کسب تسلط در بازار رو به رشد هواپیماهای بدون سرنشین در آسیای

نشریه تحلیلی The National Interest آمریکا در یک یادداشت، افزایش روزافزون نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز در پس زمینه جنگ اوکراین را بررسی نمود. این نشریه شرایط ژئوپلیتیکی شناخته شده‌ای را که به نفع آنکارا بوده، فهرست کرده است.

نشریه The National Interest می‌نویسد:

جنگ در اوکراین و تحریم‌های غرب، روابط اقتصادی روسیه و ترکیه را تقویت کرده است. مسکو با افزایش صادرات به ترکیه به یکی از شرکای اصلی آنکارا تبدیل شده و صادرات ترکیه به روسیه نیز افزایش یافته است. در شرایط انزوی روسیه از غرب، ترکیه به عنوان خریدار گاز روسیه و صادرکننده مجدد کالاهای اروپایی به بازار روسیه اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است.

با این حال این همکاری با یک رقابت ژئوپلیتیکی همراه است – ترکیه با اعتماد به نفس بالای خود، روسیه را در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی به چالش می‌کشد؛ دو منطقه‌ای که مسکو قاطعانه آنها را به عنوان بخشی از حوزه نفوذ انحصاری خود می‌داند.

ترکیه از آذربایجان به عنوان دروازه‌ای به سمت کشورهای ترک آسیای مرکزی استفاده می‌کند. بنابراین، یک پویایی فراخزری تحت حمایت یک بلوک ترک در حال ظهور است که حوزه‌های مختلفی مانند امنیت، تجارت و فرهنگ را پوشش می‌دهد.

نفوذ فزاینده ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه خزر را می‌توان در جنگ قره‌باغ کوهستانی ۲۰۲۰ بین ارمنستان و آذربایجان جستجو کرد. آذربایجان با حمایت نظامی

مرکزی است و در نتیجه سلطه مسکو به عنوان تنها تأمین‌کننده تسلیحات منطقه شکسته شده است.

درگیری‌های مرزی خشونت‌آمیز در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ بین نیروهای مسلح قرقیزستان و تاجیکستان، که هر دو از اعضای ائتلاف نظامی

CSO به رهبری روسیه هستند و میزبان پایگاه‌های نظامی روسیه در خاک خود هستند، تنها با واکنشی ملایم از سوی روسیه مواجه شد. در عوض، ترکیه برای حمایت از تلاش‌های اشتی بین قرقیزستان و تاجیکستان مداخله کرد و بخشی از پیشرفت‌های اخیر در توافقات‌های مرزی را به دستاورد خود تبدیل کرد.

همکاری ترک‌ها همچنین به تقویت کریدور تجاری و حمل و نقل ترانس خزر که به «کریدور میانی» شناخته می‌شود، کمک می‌کند؛ مسیری جایگزین برای تجارت بین اروپا و آسیا که روسیه را دور می‌زند. از این رو برای غرب نیز این همکاریها مورد احترام و حمایت است.

کریدور میانی شبکه‌ای از جاده‌ها، راه آهن، مسیرهای دریایی است که اروپا و آسیا را از طریق آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و ترکیه به یکدیگر متصل می‌کند. کریدور میانی کشورهای قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی را با ابتکار دروازه جهانی اتحادیه اروپا و همچنین ابتکار کمربند و جاده چین مرتبط می‌کند.



برنامه توسعه که مطرح می‌شود چیست؟

امروزه مدیریت کشور با توجه به پیشرفت فناوری، فراگیر شدن قدرت صنعتی در رفع نیازهای انسان‌ها، رشد جمعیت، بهره‌مندی صحیح از منابع محدود، گرم شدن زمین و مسائل کلان کشوری و جهانی، به یک موضوع بسیار مهم تبدیل شده است. در این راستا، کشور ما ایران نیز برنامه‌های توسعه زیرساخت‌های خود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در سطح کلان کشوری و در دوره‌های ۵ ساله با نام برنامه توسعه و ۲۰ ساله با نام سند چشم‌انداز تعریف کرده است.

همه ما می‌دانیم هر کشوری با توجه به اینکه آن سرزمین چه فرصت‌ها، منابع، چالش‌ها و نیازهایی در زمان حال یا آینده دارد، برای پیشرفت و مدیریت خود نیاز به برنامه خواهد داشت. این برنامه‌ها می‌توانند به صورت کوتاه، میان و بلندمدت تعریف شوند. یک مدل از این برنامه‌ها که معمولاً به عنوان پلن میان‌مدتی دسته‌بندی می‌شود، به نام برنامه‌های توسعه در ایران شناخته می‌شوند.

این برنامه‌ها دارای سه بخش کلی هستند که از آن جمله می‌توان به هدف‌ها، طرح‌ها و سیاست‌ها اشاره کرد. این پلن‌ها برنامه‌هایی را در بخش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به صورت دقیق تعریف می‌کنند که باعث می‌شود تا اجرایی شدن آنها در دوره‌های زمانی، منجر به دستیابی به آن اهداف، پیشرفت و توسعه شود. این پلن‌ها توسط مجموعه‌ای از دستگاه‌ها با نظارت همه وزرا که در راس آنها سازمان برنامه و بودجه قرار دارد، طراحی می‌گردد. توجه کنید که معمولاً برنامه‌های توسعه ذیل سیاست‌های کلی نظام که به صورت جزئی به هر بخش اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی توصیف و تعیین می‌شوند و توسط ریاست جمهوری به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. سپس توسط کمیسیون‌های تخصصی مجمع تشخیص مصلحت نظام تکمیل و به امضای رهبری می‌رسد.

برنامه‌های توسعه با یک هدف برنامه‌ریزی می‌شوند. برنامه‌های توسعه ۵ ساله در ایران بعد از انقلاب از پایان جنگ تحمیلی یعنی از سال‌های ۱۳۶۱ آغاز شده و هر دوره با هدفی، برنامه‌ریزی آن انجام شد. اهداف این برنامه‌ها در طول سال‌های اخیر عبارتند از:

- هدف برنامه اول: بازسازی خرابی‌های جنگ تحمیلی.
- هدف برنامه دوم: تمرکز بر آزادسازی اقتصادی.
- هدف برنامه سوم: تمرکز بر اصلاح ساختاری.
- هدف برنامه چهارم: سندی درازمدت برای توسعه ایران.
- هدف برنامه پنجم: پیشرفت دو شاخص پیشرفت و عدالت.
- هدف برنامه ششم: بررسی موضوع خاص راهبردی آب و محیط زیست، بافت‌های ناکارآمد شهری، توسعه صنایع کشاورزی، گردشگری، توسعه و کاربست علم و فناوری و انرژی، بهبود فضای اشتغال، رفع تبعیض و توانمندسازی، بیمه‌های اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، توسعه آمادگی دفاعی و امنیتی
- هدف برنامه هفتم: رشد ۸ درصدی اقتصادی، متوسط رشد صادرات نفتی به ۴.۲۱ درصد، متوسط رشد نقدینگی به ۴.۰۲ درصد، متوسط رشد صادرات غیر نفتی به ۶.۲۲ درصد، افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز، حفظ ظرفیت‌های فعلی، افزایش تولید محصولات پتروشیمی.

در زمان قبل از انقلاب نیز برنامه‌های توسعه به صورت ۴ تا ۷ ساله از سال ۱۳۳۱ تعریف می‌شده‌اند.



کارایی و بهره‌وری اقتصادی آغاز شد. اما برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، این فرایند در ایران با چالش‌های متنوعی روبرو بوده است که یکی از مهم‌ترین چالش‌های خصوصی‌سازی قدرت بالای نهادهای شبه‌دولتی برای تصاحب سهام دولت و در نتیجه کاهش درآمدهای دولت است. در واقع این نگرانی وجود دارد که کسری بودجه، افزایش هزینه‌ها و ناتوانی از تأمین این هزینه‌ها، سبب شود که دولت در ازای بدهی‌های سهام شرکت‌های دولتی را در اختیار پیمانکاران و نهادهای شبه‌دولتی قرار دهد و در نتیجه شبه‌دولتی‌ها بیش‌ازپیش بزرگ و قدرتمند شوند. واکناری شرکت‌های دولتی تقریباً به همان شیوهی گذشته که در یادداشت قبلی به آن اشاره شد، ادامه دارد و شبه‌دولتی‌ها به لطف امکانات مالی هنگفت، دسترسی بالا به اطلاعات، قدرت سیاسی و... اموال و شرکت‌های دولتی سودده را هدف می‌گیرند تا در هنگام عرضه، سهام این شرکت‌ها را بخرند.

کوچک‌سازی دولت و کاهش مخارج آن، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت به کاهش بحران مالی کمک کند، اما در بلندمدت می‌تواند به کاهش رفاه عمومی، افزایش نابرابری اجتماعی و کاهش کیفیت خدمات عمومی منجر شود. بهبود مدیریت منابع و افزایش کارایی دولت، به‌جای کاهش ساده‌لوحانه هزینه‌ها، می‌تواند راه‌حل بهتری برای مواجهه با چالش‌های مالی باشد.

بهره‌وری: مسئله اصلی دولت اینجاست!

در نهایت، به نظر می‌رسد بحران اصلی دولت بهره‌وری است. برای حل این بحران، دولت ایران باید به اصلاحات ساختاری و مدیریتی، افزایش شفافیت و مبارزه با فساد توجه کند. خصوصی‌سازی به‌تنهایی نمی‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد و ممکن است به مشکلات جدیدی منجر شود. ترکیبی از راه‌حل‌های مختلف از جمله بهبود مدیریت دولتی، افزایش شفافیت و کارایی، استقرار سیستم‌های مدیریت عملکرد و تقویت نظارت و ارزیابی و استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند به افزایش بهره‌وری و بهبود خدمات عمومی منجر شود. اندازه دولت باید با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور تعیین شود و تمرکز نباید تنها بر کوچک یا بزرگ‌بودن آن باشد، بلکه باید بر کارایی و بهره‌وری دولت تمرکز کرد.

خصوصی‌سازی تنها راه حل فرار از بحران‌های مالی دولت است؟

در دهه گذشته، دولت ایران با چالش‌های مالی متعددی مانند کسری بودجه، ناترازی بانکی، سیاست‌های ارزی غلط، بحران صندوق‌های بازنشستگی (که البته هنوز بحران صندوق‌های بازنشستگی در ابتدا راه خوش است) و ... روبرو بوده است و برای حل بحران مالی خود به کوچک‌سازی اندازه دولت روی آورده است.

مقدمه

در دهه گذشته، دولت ایران با چالش‌های مالی متعددی مانند کسری بودجه، ناترازی بانکی، سیاست‌های ارزی غلط، بحران صندوق‌های بازنشستگی (که البته هنوز بحران صندوق‌های بازنشستگی در ابتدا راه خوش است) و ... روبرو بوده است و برای حل بحران مالی خود به کوچک‌سازی اندازه دولت و کاهش هزینه‌های جاری روی آورده است. این اقدام به‌منظور کاهش بار مالی بر بودجه دولتی و افزایش کارایی و بهره‌وری صورت گرفته است. اما این سیاست‌ها به مشکلات و چالش‌های دیگری منجر شده‌اند.

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، دولت ایران از حیث مخارج نسبت به تولید ناخالص داخلی (GDP)، یکی از کم‌خرج‌ترین دولت‌ها در میان کشورهای جهان است. نسبت ۱۳.۵ درصدی مخارج دولت به GDP، به معنای تخصیص ناکافی منابع به بخش‌های حیاتی مانند آموزش و پرورش، سلامت، امنیت، زیرساخت و رفاه عمومی است. به عبارتی دولت هر آنچه دارد در راه پرداخت هزینه‌های جاری از دست می‌دهد.

کاهش مخارج دولت به‌ویژه در بخش‌های حیاتی، اثرات منفی زیادی بر رفاه عمومی و کیفیت زندگی مردم دارد: سلامت: کاهش بودجه سلامت به معنای خدمات درمانی ناکافی و کاهش کیفیت خدمات بهداشتی است.

آموزش و پرورش: کاهش بودجه آموزش به معنای کیفیت پایین‌تر آموزشی، کمبود امکانات و افزایش نابرابری آموزشی است.

امنیت و زیرساخت: کاهش بودجه امنیت و زیرساخت‌ها می‌تواند به کاهش امنیت عمومی و فرسودگی زیرساخت‌ها منجر شود.

از طرفی حقوق ناچیز و نامکنی کارمندان دولت، یکی دیگر از نتایج سیاست کوچک‌سازی دولت است. این مسئله منجر به کاهش انگیزه و بهره‌وری کارمندان دولتی می‌شود و نخبگان را از خدمت در دولت دور می‌کند. همچنین، مهاجرت نخبگان به بخش خصوصی یا خارج از کشور، از تبعات دیگر این سیاست‌هاست.

دولت بزرگ، دولت کوچک: کدام یک بهتر است؟

صاحب‌نظران ریشه بحران‌های مالی دولت را به دوگان دولت بزرگ دولت کوچک نسبت می‌دهند. دولتی که بزرگ باشد، معمولاً دارای مخارج بالاتری است و نقش بیشتری در اقتصاد ایفا می‌کند. این می‌تواند به معنای ارائه خدمات عمومی بیشتر و گسترده‌تر باشد، اما در عین حال چالش‌هایی نیز به همراه دارد:

بهره‌وری پایین: دولت‌های بزرگ ممکن است با مسائل بهره‌وری و کارایی مواجه شوند، چرا که بوروکراسی پیچیده‌تر و مدیریت منابع دشوارتر می‌شود.



امضای توافقنامه مشارکت استراتژیک جامع میان روسیه و کره شمالی



تا به کره شمالی در ساخت ماهواره کمک کند. علاوه بر این چند موضوع بسیار مهم در دستور کار طرفین از مدت‌ها پیش قرار داشته است. نخستین مورد موضوع کار کارگران کره شمالی در روسیه است که بسیار برای رهبران این کشور اهمیت دارد. علاوه بر این، طرفین در حوزه امنیتی و اطلاعاتی نیز همکاری‌هایی دارند. «سرگئی ناریشکین» رئیس سرویس اطلاعات خارجی روسیه (اس.وی.آر) در در بازه زمانی ۲۵-۲۷ مارس (۶-۸ فروردین) به کره شمالی سفر و با «ری چانگ دانه»، وزیر امنیت کشور دولت پیونگ یانگ دیدار کرده بود. این دیدار در رسانه‌های کره‌ای بازتاب بسیار گسترده‌ای داشت و برخی می‌گفتند که موضوع خریدهای تسلیحاتی بیشتر دستور کار این سفر بوده است.

هر چند در بیانیه این سرویس اطلاعاتی تصریح شده بود: «سرگئی ناریشکین، مدیر سرویس اطلاعات خارجی روسیه در بازه ۲۵-۲۷ مارس به کره شمالی سفر کرد. ناریشکین در جریان این سفر مذاکراتی مفصل را با ری چانگ دانه، وزیر امنیت کشور کره شمالی در شهر پیونگ یانگ برگزار کرد. در این مذاکرات مسائلی شامل تحولات وضعیت بین‌المللی، تضمین امنیت منطقه‌ای، تعمیق تعامل میان روسیه و کره شمالی در پس زمینه تلاش‌های عوامل خارجی برای افزایش فشارها مورد بحث قرار گرفتند.» اما خبرگزاری کره شمالی نیز با اعلام انجام این سفر از سوی ناریشکین نوشت که او و وزیر امنیت کشور کره شمالی «در باره تقویت همکاری به منظور مقابله با اقدامات فزاینده نیروهای متخاصم برای جاسوسی و دسیسه چینی به بحث پرداختند.» که از این بابت برای طرف کره‌ای دارای اهمیت بیشتری بوده است.

اما سفر پوتین شاخک‌های آمریکا و مزدورانش در سئول و توکیو را به شدت تحریک کرده و مقامات این دو کشور چندین بار در مورد این سفر اظهار نظر کرده و موضع‌گیری کردند. ک مقام ارشد کرملین با اعلام هیات‌همراه «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه در سفر به پیونگ یانگ گفت: به احتمال زیاد در سفر پوتین به کره شمالی توافقنامه مشارکت استراتژیک جامع امضا خواهد شد. تاکید داریم که توافقنامه ارتباط بین فدراسیون روسیه و کره شمالی علیه کشورهای ثالث نخواهد بود. یوری اوشاکوف با اشاره به این سفر که سه‌شنبه و چهارشنبه انجام می‌شود، تاکید کرد: پوتین و کیم

رئیس جمهور روسیه در راس یک هیات بسیار بلندپایه سیاسی، نظامی و اقتصادی راهی کره شمالی شد؛ سفری که دستکم از زمان فروپاشی شوروی برای یک رهبر روسیه اگر چه بی‌سابقه نیست (پوتین در سال ۲۰۰۰ و در نخستین سال ریاست جمهوری‌اش به پیونگ سفر کرد) اما این بار اهمیت بسیار زیادی دارد. این سفر به لحاظ زمانی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و در بعد اهداف نیز می‌توان آن را بی‌سابقه برشمرد. کره شمالی کمونیست در دوران شوروی به عنوان رهبر کمونیست‌ها، یک متحد راهبردی برای مسکو به شمار می‌رفت و این همکاری‌ها باعث شد تا کره شمالی از آخرین تکنولوژی‌ها و دستاوردهای نظامی روس‌ها در کنار یک تجارت گسترده و روابط امنیتی مهم استفاده کنند. اما فروپاشی شوروی و گرایش به غرب یلتسین و سپس اعتماد بی‌جای پوتین و سپس همراهی کامل مدودف با آمریکا باعث شد تا روس‌ها بخشی از باری غرب برای فشار به مردم کره در حوزه تحریم‌ها و قطعنامه‌های متعدد باشند.

اما چرخ روزگار به گونه‌ای چرخید و دنیا به سمتی حرکت کرد که روس‌ها متوجه شدند همراهی با غرب چه دام گسترده‌ای بوده و آن‌ها با چشم و گوش بسته و صرفاً برای اعتمادسازی با غربی‌ها چه بلایی سر خودشان درآوردند. هم ایران و هم کره شمالی دو کشوری که سنگین‌ترین اختلافات را با غرب داشتند و امروز بزرگ‌ترین کمک‌رسان به روس‌ها در نبرد با ناتو در اوکراین هستند، بر اثر اشتباهات راهبردی سران کرملین که با جادوی غرب‌گرهای حاکم بر وزارت خارجه این کشور خام و عده‌های سران کاخ سفید شده بودند، بیشترین لطمات را دیدند...

حالا رهبران روسیه می‌خواهند جهان خود را در همکاری با دیگر کشورها بنیان بگذارند؛ چه در قالب پیمان شانگهای و چه بریکس. در این میان تلاش می‌کنند تا دوستان قدیمی را هم که با اقدامات خودشان به فلاکت انداخته‌اند دریافته و با گسترش روابط و رفتن به سمت روابط راهبردی، افق‌های جدیدی در دره‌های دوجانبه و چندجانبه باز کنند. شاید سفر سال گذشته رهبر کره شمالی به روسیه که چند روز طول کشید و طی آن روس‌ها موفق به امضای قرارداد خرید بیش از دو میلیون گلوله توپ و موشک‌های تاکتیکی از این کشور شدند، مقدمه‌ای بود بر کمک‌های فنی گسترده روس‌ها به همکاران و دوستان قدیمی که می‌خواستند فضا را هم به دست آورده و ماهواره‌های شناسایی، هواشناسی و جاسوسی خود را در مدار زمین تزریق کنند. حالا قرار است ولادیمیر پوتین راهی پیونگ یانگ شود تا به قول معروف شاهد سفری تاریخی باشیم.

کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی سپتامبر گذشته میلادی به روسیه رفت تا با پوتین دیدار و گفت‌وگو کند. او از مرکز برتانب فضایی روسیه «ووستوچنی» در شرق دور نیز بازدید داشت و پوتین به او قول داد

همانگونه که در ابتدای این یادداشت هم گفته شد، به نظر می‌رسد روس‌ها می‌خواهند بخشی از اشتباهات راهبردی خود در برابر دیگر کشورها، از جمله همسایه اتمی و بسیار جسور خود را جبران کنند، کشوری که ارتش قدرتمندی دارد و به تنهایی می‌تواند روزگار کره جنوبی و ژاپن را در هر نبردی سیاه کند. روس‌ها برای آینده جهت حفظ جبهه شرق دور خود که کم‌جمعیت و دور از پایتخت است به شدت روی همسایه اتمی خود حساب می‌کنند. کره جنوبی، آمریکا و ژاپن در کنار ائتلاف‌های مانند آکوس و کواد نه تنها در درستی برای چین، که مشکلی برای روسیه هم به شمار می‌روند.

نگاهی به زندگی و آثار «جین آستین»

رقیه کیه

پرفروش‌ترین‌های کلاسیک جهان بدون نام جین آستین حتما چیزی کم دارد. اگرچه آثار او را در شمار عاشقانه‌های کلاسیک می‌دانند اما شهرت و محبوبیت جین آستین فقط برای عاشقانه‌هایش نیست. ۱۸ ژوئن برابر با ۲۹ خرداد، دو بیست و چهل و نهمین سالگرد درگذشت اوست و به همین بهانه خانم «رقیه کیه» در متن پیش رو، با نگاهی به زندگی و آثار او به دلایل این محبوبیت پرداخته است.

زنی مثل همه اما متفاوت

حدود ۲۵۰ سال پیش در روستای همپشایر انگلستان، دومین دختر کشیش جورج آستین در خانه‌ی روستایی او متولد شد و به طبقه‌ی متوسط انگلستان، زنی دیگر افزوده شد. اما با یک تفاوت بزرگ؛ دومین دختر و هفتمین فرزند کشیش آستین به یکی از تاثیرگذارترین نویسندگان انگلستان تبدیل شد. نویسنده‌ای که قهرمان داستان‌هایش زنانی از طبقه‌ی متوسط جامعه بودند و در خلال روابط قهرمانانش با اشراف انگلستان، فرهنگ طبقه‌ی متوسط انگلستان را در تاریخ ثبت کرد و در دوره‌ی رونق رمانتیک‌نویسی، واقع‌گرایی را برای روایت داستان‌هایش انتخاب کرد. این زن جوان کسی نیست جز جین آستین که پس از گذشت دو قرن از درگذشتش، همچنان داستان‌های نه چندان خارق‌العاده‌اش پرفروش است و یکی از نویسندگانی است که بیشترین اقتباس سینمایی و تلویزیونی از آثارش همچنان و هنوز ساخته می‌شود و تعدد اقتباس‌های سینمایی و تلویزیونی گواه محبوبیت جهانی آثار آستین است.

جین آستین در طول زندگی کوتاه ۴۱ ساله‌اش، شش رمان نوشت. چهار اثر او در زمان حیاتش و دو داستان دیگر بعد از درگذشتش و به کوشش یکی از شش برادرش، که نماینده‌ی او در برخورد با ناشران بود، منتشر شد.

«عقل و احساس»، «غرور و تعصب»، «منسفیلد پارک» و «اما» کتاب‌هایی بودند که در زمان حیات جین آستین بدون نام او به چاپ رسیدند.

اولین یادداشت‌ها

جین آستین و تنها خواهرش کاساندر در هفت سالگی از تحصیل رسمی محروم شدند و تنها پسران خانواده اجازه یافتند به مدرسه بروند. اما آموزش دختران در خانه ادامه پیدا کرد و دسترسی جین کوچک به برخی از کتاب‌های کتابخانه‌ی پدر او را شیفته‌ی مطالعه کرد و او در نوجوانی نوشتن را به تقلید از داستان‌هایی که خوانده بود آغاز کرد. آستین بین ۱۱ تا ۱۷ سالگی مطالبی نوشت تا خانواده و دوستانش را در دورهمی‌ها سرگرم کند.

از این دست‌نوشته‌ها آن‌هایی که باقی مانده‌اند نشان می‌دهد جین آستین در ابتدای راه نوشتن از رمان‌های زمان خود تقلید کرده است. سه دفتر از این نوشته‌های اولیه به دستخط اصلی جین به ترتیب جلد اول، جلد دوم و جلد سوم، اکنون جزو گنجینه‌های ملی انگلستان هستند که در کتابخانه‌ی بریتانیا، لندن و آکسفورد نگهداری می‌شوند. داستان‌های نوجوانی جین، تقلید از انواع کتاب‌هایی است که او در آن زمان می‌خواند: کتاب‌های درسی مدرسه و داستان‌های مورد علاقه‌اش؛ و به نظر می‌رسد دنیایی دور از نوشته‌های آرام و آگاهانه‌ی او در بزرگسالی دارند اما همین نوشته‌های ابتدایی جایی است که جین آستین جوان، صدای خود و راه خود در رمان‌نویسی را پیدا کرده است.

نوشتن از تجربه‌ی زیسته

درباره‌ی شخصیت و جزئیات زندگی این نویسنده‌ی انگلیسی،



«کنعان» روایتی از عشق و دلدادگی یک شهید دو تابعیتی

ادبیات داستانی در سال‌های اخیر نقش پررنگی در حوزه ادبی دین به شهدای مدافع حرم ایفا کرده است، هم نویسندگان نوقلم و تازه‌کار پا به این میدان گذاشته و تلاش‌هایی از خود نشان داده‌اند، هم نویسندگان صاحب سبک تلاش کردند تا در جهت معرفی این شهدا به جامعه نقش ایفا کنند.

«کنعان» یکی از این آثار است که به قلم علی‌علی‌بیگی از سوی انتشارات خط مقدم اخیراً منتشر شده است.

این رمان به زندگی شهید سیدعلی زنجانی از شهدای مدافع حرم اختصاص دارد و از اوایل جوانی سیدعلی در سوریه شروع می‌شود. از روزهای دبیرستان و درس خواندن، از زندان رفتنی به ناحق که همه چیزش عجیب و غریب بود. هم برای سیدعلی و هم برای دور و بری‌هایشان. کنعان با خوابی آغاز می‌شود که نوید شیرینی بعد از سختی‌های مدید را می‌دهد. قطعاً همراه هر سختی آسایشی است... رنگ زندگی برای سیدعلی وقتی تغییر کرد که عشق «دعا» دختر لبنانی را تجربه کرد، اما سیدعلی قبل از «دعا» عاشق خاک وطنش بود، عاشق سوریه. سیدعلی از پدری ایرانی و مادری لبنانی بود که در سوریه به دنیا آمده بود. اشتیاق سیدعلی برای حفظ خاک محبوبش آنقدر عمیق و ریشه‌دار بود که به خاطرش همه چیز را رها کرد حوزه علمیه و قوم و دو فرزندش و دعا را ... کنعان داستان اشتیاق سیدعلی زنجانی است برای در آغوش کشیدن خاک سرزمین محبوبش.

نویسنده برای مصاحبه با دوستان شهید به حلب سوریه رفته و روزهای پرفراز و نشیبی را در آنجا تجربه کرده است. روزهایی که نتیجه آن کتاب خوش‌خوان و جذاب کنعان است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «سید علی چیزی نمی‌گوید و سری به نشانه‌ی ادب خم می‌کند. چهار گالن پشت هایلوکس گذاشته است. نوبت دوتای دیگر است، پیرمرد عقب می‌رود و احتمالاً جایی کنار جوی آب می‌نشیند تا نفس چاقی کند. سید علی دو گالن دیگر برمی‌دارد، نفس نفس می‌زند: «علوم عربی و دینی از همه بهتر است یا... اصلاً چطور است نظامی شوم؟ عسکری. حوصله‌ی درس را ندارم.» گالن‌ها پشت هایلوکس سوار می‌شوند؛ ناگهان دستی محکم، مچ سیدعلی را می‌گیرد. از نفس افتاده است، سر برمی‌گرداند، پلیس است. پلیس دیگری هم در کنارش ایستاده. عصبانی‌اند و دست به سلاح، پلیسی که دست سید علی را گرفته، یک کلمه بیشتر نمی‌گوید: «تهریب!»

شهید مدافع حرم حجت‌الاسلام سید علی زنجانی از شهدای مدافع حرم دو تابعیتی ایرانی – لبنانی در زینبیه(دمشق) سوریه به دنیا آمدند و در راه دفاع از حریم اهل بیت پس از چندین سال جهاد فی سبیل الله در منطقه سراق(ادلب) سوریه به فیض شهادت رسید.

سیدعلی فرزند مرحوم آیت‌الله سید ابراهیم زنجانی و از یک مادر لبنانی در دمشق(زینبیه) متولد شد تا سن ۱۳ سالگی در زینبیه کنار حرم عمه سادات زندگی کرد و بعد از فوت پدر همراه با مادر به لبنان سفر کرد، سیدعلی نزدیک به ۵ سال به ایران جهت تعلّم دروس حوزوی سفر کرد. و بعد از چند سال به لبنان برگشت و همان جا هم ازدواج کرد، از زمان شروع فتنه در شام در کنار حرم عمه سادات، مشغول به دفاع از حرم همراه با قوات رضوان حزب الله شد. تا اینکه در تاریخ نهم اسفند ماه نزدیک نماز مغرب توسط بپهادهای آمریکایی در ادلب سوریه به شهادت رسید.

انتشارات خط مقدم این کتاب را رد ۲۹۶ صفحه منتشر و روانه بازار نشر کرده است.



تحلیلگران داستان‌های جین آستین، راز ماندگاری و محبوبیت داستان‌های او را پس از قرن‌ها، گفتن از عنصر آشنای «درونیات» می‌دانند. او از درونیات قهرمان‌هایش در خلال دیالوگ‌های قوی، که از ویژگی‌های منحصر به فرد قلم او بود، پرده بر می‌داشت و گفتن از

درونیات انسان می‌تواند از پس قرن‌ها و گذشتن از مرزها و طی کردن کیلومترها راه در جهان انسانی و با پشت سر گذاشتن فرهنگ‌ها و تغییر آداب و رسوم به ما برسد و همچنان تازه باشد و رنگی از کهنگی به خود نگیرد.

اودورا ولتی در کتاب «چشم داستان» آورده است که رمان‌های آستین در برابر زمان مقاومت می‌کنند، زیرا «آن‌ها به دنیای بیرون مربوط نمی‌شوند، بلکه مربوط به درون هستند، به آنچه که دائماً در ذهن و قلب می‌گذرد.» شاید به همین دلایل، آثار آستین همچنان برای مخاطبانش جذاب، سرگرم و الهام‌بخش هستند.

شخصیت‌پردازی متفاوت

روایت طبقه‌ی اشراف از دید قهرمانان زنانی از طبقه‌ی متوسط جامعه، با طنزی پنهان که در قلم آستین بود و در دنیای ادبیات به شدت رمانتیک و توصیفی آن دوران، به سبکی کاملاً واقع‌گرایانه و معرفی این شخصیت‌ها در خلال دیالوگ‌هایی که از درونیات آن‌ها پرده بر می‌داشت در عصر خود یگانه بود. آستین یکی از اولین نویسندگانی بود که شخصیت‌های واقع‌گرایانه و پیچیده را در رمان‌های خود خلق کرد. قبل از او، بیشتر رمان‌ها شخصیت‌هایی را نشان می‌دادند که دو بعدی بودند – یا سفید یا سیاه – اما آستین شخصیت‌هایی را خلق می‌کند که واقعی هستند، با ویژگی‌های خوب و بد؛ انسان‌هایی که معنی خوبی را می‌دانند و می‌شناسند اما اشتباه می‌کنند، یا بد رفتار می‌کنند مانند همه‌ی انسان‌ها و ما به هر حال نمی‌توانیم آن‌ها را دوست نداشته باشیم.

نویسنده‌ی در مقام یک مفسر اجتماعی

در عین حال جین آستین را به نوعی یک مفسر اجتماعی می‌دانند؛ به این معنی که او در رمان‌هایش به معایب جامعه‌ی خود اشاره می‌کند. مانند بسیاری از نویسندگان عصر خود آشکارا به کجی‌های جامعه اشاره یا آن‌ها را محکوم نمی‌کند، اما از قوانین و قراردادهای جهانی که در آن زندگی می‌کرد انتقاد می‌کند: جهانی که بسیاری از فرصت‌ها و آزادی‌هایی را که ما اکنون بدیهی می‌دانیم، از زنان دریغ می‌کرد.

شش ماه پس از مرگ جین آستین، هنری آستین، برادر او، «نورتنگر ای» و «ترغیب» را منتشر کرد و در پیشگفتار رمان‌ها، یک اطلاعیه‌ی بیوگرافی نوشت و برای اولین بار از جین آستین به عنوان نویسنده‌ی همه‌ی آثار منتشر شده‌ی او نام برد و او را «دارای زندگی مفید، ادیب و دیندار» معرفی کرد.

آشنایی ایرانیان با جین آستین

ایرانیان برای اولین‌بار با ترجمه‌ی کتاب «غرور و تعصب» با جین آستین آشنا شدند. این کتاب را شمس‌الملوک مصاحب در سال ۱۳۳۶ ترجمه کرد. پس از آن مترجمان بسیاری آثار آستین را در ایران ترجمه کردند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به رضا رضایی اشاره کرد که شش رمان جین آستین را ترجمه و نشر نی مجموعه‌ی آن‌ها را منتشر کرده است.

منابع زیادی در دسترس نیست تا عوامل مهم درباره‌ی شکل‌گیری شخصیت و به دنبال آن، قلم او بررسی شود اما از آنچه به دست ما رسیده است دو اتفاق مهم در زندگی جین آستین، در شخصیت داستان‌نویس او بسیار موثر بوده است:

اول بازنستگی پدر و کوچ از همپشایر به باث، شهری گردشگری که برای آب گرمش مشهور بود، سبک زندگی جین ۲۵ ساله را تغییر داد؛ سبک زندگی متفاوت شهری و حشر و نشر با مردم این منطقه، تجربیاتی متفاوت از آنچه در روستای کوچک کودکی به دست آورده بود برای جین داشت و تاثیر مستقیم بر فضای داستان‌های او گذاشت. دومین اتفاق تاثیرگذار زندگی او پس از ترک خانه‌ی روستایی همپشایر و به نوعی خانه‌ی کودکی‌اش و چهار سال اقامت در باث، درگذشت ناگهانی پدر بود که او، مادر و خواهرش را با هیولای فقر آشنا کرد. چندین سال جابه‌جایی و گذران زندگی شهری با قناعت، از مهم‌ترین تجربیات زندگی جین جوان در این دوره بود. دوره‌ای که اگر چه او را از نویسندگی دور کرد اما تجربه‌ی زیسته‌ای به او داد که ردپایش در داستان‌های او دیده می‌شود.

سپس اقامت در خانه‌ی چاوتون، جایی که پسر بزرگ خانواده‌ی آستین به مادر و خواهرانش بخشید، مکانی برای روی کاغذ آوردن تجربیات سال‌های پیش از اقامت در این خانه بود و جین آستین ۳۴ ساله در آرامش زندگی در خانه‌ی چاوتون این فرصت را یافت تا دست‌نوشته‌های سال‌های گذشته را مرور، اصلاح و بازنویسی کند و یک سال پس از اقامت در خانه‌ی چاوتون در سال ۱۸۱۰ به کمک برادرش هنری، اولین داستان خود، «عقل و احساس» را به چاپ رساند. سه سال بعد مهم‌ترین و مشهورترین اثر خود «غرور و تعصب» را بدون نام منتشر کرد. بلافاصله مشغول نوشتن «منسفیلد پارک» شد و در سال ۱۸۱۵، مشهورترین ناشر آن روز گار، چاپ سومین کتاب جین گمنام را بر عهده گرفت.

حالا جین آستین در عین گمنامی نویسنده‌ی مشهوری شده بود که آثارش از طرف خانواده‌ی سلطنتی نیز دنبال می‌شد و چهارمین اثرش «اما» را به درخواست خانواده‌ی سلطنتی به شاهزاده‌ی عصر خود تقدیم کرد.

پایان زندگی

اما خوشبختی جین کوتاه بود و در ۴۰ سالگی آثار بیماری‌ایی که اکنون برای ما شناخته شده نیست در وی نمایان شد. جین چاپ دو کتاب آخرش را ندید و در ۴۱ سالگی درگذشت؛ درحالی‌که علاوه بر دو کتاب «نورتنگر ای» و «ترغیب»، داستانی نیمه‌تمام با نام «ساندیتون» یا برادران داشت. جین آستین در وینچستر که برای درمان به آنجا کوچ کرده بود، در ۱۸ ژوئن ۱۸۱۷ درگذشت و جسد او را در کلیسای جامع وینچستر به خاک سپردند در حالی‌که صرفاً به دلیل فرهنگ حاکم بر انگلستان نسبت به زنان، تا زمان مرگ کتاب‌هایش را بدون نام او منتشر کرده بودند.

آستین هرگز ازدواج نکرد اگرچه مضمون همه‌ی داستان‌هایش عشق و انتخاب و ازدواج بود. او از زندگی کوتاه خود راضی بود و در لحظه‌ی مرگ وصیت‌نامه‌ای کوتاه نوشت و تقریباً همه چیز را به «خواهر عزیزش کاساندر» واگذار کرد.

راز محبوبیت جین آستین

جین آستین را تصویرگر زندگی طبقه‌ی متوسط انگلستان در اوایل قرن نوزدهم می‌نامند اما راز محبوبیت داستان‌های ساده‌ی او چیست؟ چرا آثار جین آستین، با توجه به تعداد اندکشان و بعد از دو قرن، همچنان به فروش می‌رود، اقتباس می‌شود، به نمایش در می‌آید و نامش در میان محبوبترین‌های ادبیات کلاسیک جهان جای دارد؟

به نظر منتقدان، آستین شخصیتی دو وجهی داشت: هم صاحب طنز قدرتمندی بود و هم اخلاقیات و روحیات آدم‌ها را خوب می‌شناخت.

آغاز به کار سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی کتاب پکن ۲۰۲۴ از ۳۰ خرداد با حضور ایرانیان



سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی کتاب پکن (BIBF) از روز چهارشنبه ۳۰ خرداد آغاز به کار می‌کند. در این رویداد، غرفه‌دارانی از ۷۱ کشور دنیا با بیش از ۲۲۰ هزار عنوان کتاب شرکت می‌کنند. این نمایشگاه در مقایسه با سال گذشته شاهد حضور ۱۵ کشور جدید از جمله بنگلادش، فیلیپین،

جمهوری چک، اسلواکی، نیوزیلند و نیجریه خواهد بود. همچنین کشورهایمانند ژاپن، مالزی، انگلستان و ایتالیا فضای بیشتری را به غرفه خود اختصاص خواهند داد. در این نمایشگاه که تا سوم تیر ماه ادامه دارد، ۱۰۵۰ غرفه دار خارجی حضور دارند که نسبت به سال گذشته ۱۵۰ غرفه بیشتر برپا شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز در این نمایشگاه در یک غرفه ۳۶ متری حضور دارد و بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب را با تمرکز بر کتاب کودک و تصویرگری کتاب کودک به نمایش می‌گذارد.

همچنین ۵۵۰ ناشر داخلی، از جمله نمایندگان از هنگ کنگ، ماکائو و تایوان، ۳۸ مجموعه جدید همچون تبادل اطلاعات شانگهای، ناشر بازی miHoYo، تولیدکنندگان محتوا و

محصولات کودکان، روزنامه‌ها و مجلات به نمایشگاه کتاب پکن ملحق خواهند شد. در این دوره از نمایشگاه به افتخار هفتاد و پنجمین سالگرد تاسیس جمهوری چین، دستاوردهای مهم نشر در حوزه‌های مختلف از جمله علوم اجتماعی، علم و فناوری، هنر و فرهنگ، ادبیات کودکان و متون باستانی به نمایش گذاشته خواهد شد. همچنین کنفرانس‌های متعددی نیز ذیل این نمایشگاه برپا می‌شود از جمله کنفرانسی درباره کتاب کودک در سی‌ویکم خرداد. جایزه ویژه کتاب چین نیز در این نمایشگاه اهدا می‌شود.

کشور عربستان مهمان افتخاری امسال است که با حدود ۱۲۰ عنوان کتاب به زبان‌های عربی و انگلیسی با تمرکز بر ادبیات، افسانه‌ها و موارد آموزشی در این رویداد شرکت دارد.



تقابل خانواده و عشق در دنیای امروز

عشق در لغت به معنای افراط در حب و درگذشتن از حد در دوستی است و در اصطلاح نیز معانی متفاوتی دارد. در اصطلاح تصوف و عرفان، در اصطلاح فلسفی، در فرهنگ غرب و در شرق اسلامی تلقی‌های متفاوت و مختلفی از عشق وجود دارد. به طور کلی تجربیات شخصی، عقاید و گرایش افراد به نوع خاصی از مکاتب فکری، نگرش‌ها و بینش‌های متفاوتی نسبت به عشق ایجاد کرده است. در این میان زبان و ادبیات نیز یکی از مهمترین بسترهای شکل گیری و گسترش معنای عشق به خصوص در فرهنگ جامعه به شمار می‌رفته است. به شکلی که می‌توان ادعا نمود موضوع محوری میراث به جا مانده از زبان فارسی به خصوص در نظم، عشق است.

لکن فارغ از اصطلاح، نکته ای که درباره این مفهوم باید به آن توجه داشت این است که عشق نیز به عنوان یکی از مولفه های زندگی بشری از تحولات و دگرگونیهای اجتماعی اعصار مختلف متأثر شده است. در مقابل این رویکرد گفتاری هژمونیک قرار دارد که درصدد هنجارمند کردن عشق فی نفسه و در تمام اشکال خود است و برای این کار تمام ادبیات نظری و هنری که در تأیید و تعریف از عشق در طول تاریخ صورت گرفته شده است را به مثابه پشتوانه‌ای برای عشق امروزی در نظر می‌گیرد. در حالی که اگر نسبت به این تحولات معنایی و الگویی عشقورزی از گذشته تا به امروز توجه داشته باشیم، خواهیم دانست که آن ادبیات غنی تاریخی از ابنعربی تا حافظ و مولوی و... که در تأیید عشق به جا مانده، معنای متفاوتی از عشق امروزی را مدنظر داشته‌اند. عشق در نگاه سنتی آن

امری است که به عنوان پشتوانه و سنگ بنای خانواده به شمار می‌رفت اما در دوره جدید همراه با تحولات فرهنگی و اجتماعی با آزادی بی حد و مرز گره خورده و عرصه رفع تکلیف تلقی می‌شود و از این رو با خانواده که عرصه تعهد و مسئولیت‌پذیری است دچار تقابل می‌شود. حال در ادامه به بخشی از ویژگی‌های عشق در دوره جدید که در تقابل با خانواده قرار دارد اشاره خواهد شد.

گیدنز که از عشق در دوره جدید با عنوان «عشق سیال» یاد می‌کند معتقد است این مفهوم اولین بار شهوت را وارد کانون اصلی رابطه دوسویه می‌کند و دستیابی به لذت دوطرفه را عامل مهمی در تداوم و یا قطع رابطه تبدیل می‌کند پس در مجموع می‌توان گفت مهم‌ترین عامل جذابیت در عشق پست مدرن که به نوعی شالوده اصلی این عشق نیز می‌باشد، جنسی بودن آن است. این در حالی است که عشق چه در فضای سنتی شرقی و چه عشق رمانتیک غربی کمتر با وجوه مادی و کالبدی وجود معشوق یعنی بدن و اندام او سروکار دارد.

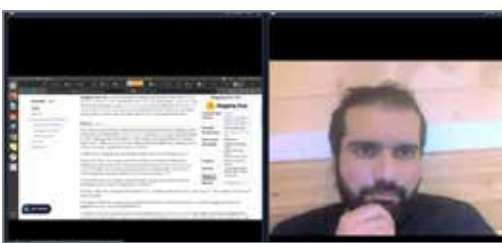
از دیگر ویژگی‌های دنیای سنت عشق مبتنی بر رابطه تک همسری همراه با وحدت و پایداری است. تمام مصادیق عشق در تاریخ پیوند عمیقی با مداومت عاشق بر عشق خود و اکتفا به آن داشته‌اند اما در عشق سیال، لزوماً تک همسری نیست و انحصار جنسی را نمی‌شناسد. چیزی که رابطه ناب را سرپا نگه می‌دارد، پذیرش «تا اطلاع ثانوی» این نکته از سوی هردو طرف است که فایده این رابطه برای هردو آنقدر هست که ارزش ادامه دادن دارد. انحصار جنسی نیز در این رابطه فقط به میزانی است که طرفین به صورت متقابل آن را خوشایند بدانند.

یکی دیگر از تفاوت‌های مهم میان عشق سیال و عشق سنتی چه در شرق و چه در غرب که با عنوان عشق رمانتیک شناخته می‌شود، گذر عشق سیال از دگرجنس‌خواهی است. پایه شکل‌گیری عشق در غرب و شرق رابطه دو ناهمجنس بوده است. اما عشق سیال هیچ پیوند خاصی با دگرجنس‌خواهی ندارد و این مفهوم به عشق میان دو هم جنس نیز بسط یافته است. در واقع در این مدل همه چیز بر مبنای توافق است و قاعده محدودکننده‌ای برای آن وجود ندارد.

به صورت خلاصه با توجه به نکات بیان شده می‌توان گفت برخلاف مفهوم و معنای عشق در دوره‌های گذشته که محرک ازدواج و خمیرمایه حفظ نهاد خانواده به شمار می‌رفته است، شاخص‌های عشق در عصر جدید ماهیتی ضدخانواده پیدا نموده و به نوعی کارکردهای خانواده را دچار اختلال کرده است.

کاربردهای گسترده مدل‌سازی بدن انسان

احمد خواجه‌نژاد



نشست علمی «استخراج مدل سه‌بعدی بدن انسان از عکس‌های ورودی دو بعدی، و تولید تصاویر دو بعدی از زوایای جدید (۳D Body Modeling and Novel View Synthesis from ۲D Input Images)» با ارائه دکتر احمد خواجه‌نژاد پژوهشگر پسداکتوری دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا، به میزبانی مرکز رشد و نوآوری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با همکاری مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری و دانشگاه مجازی المصطفی به صورت برخط در اسکای‌روم برگزار شد.

دکتر خواجه‌نژاد تمام مقاطع تحصیلی را در ایران گذرانده و از یک سال گذشته برای پژوهش در موقعیت پسداکتوری به کانادا رفته است. ایده ارائه وی ناشی از درخواست یک اپلیکیشن متناسب اندام برای تشخیص چربی بدن انسان کلید خورده است.

دکتر خواجه‌نژاد تصریح کرد که مدل‌سازی بدن انسان کاربردهای مختلفی می‌تواند داشته باشد. برای نمونه در انیمیشن مسأله تخمین حالت انسان (pose estimation) مطرح است که ابتدا به کمک مدل‌سازی تشخیص حالت اتفاق می‌افتد و این حالت به یک سری آواتار و مدل‌های انیمیشنی تبدیل می‌شود که فرآیندهای خاص خودش را دارد. نمونه دیگر برای پروفایل است که اگر فرد بخواهد آواتار سه‌بعدی بگذارد به این تخمین نیاز دارد. همچنین برای مبحث واقعیت مجازی (virtual reality) اگر کسی بخواهد با کسی آن سوی دنیا به صورت مجازی بهتر ارتباط برقرار کند و صحبت کند، نیاز به مدل سه‌بعدی دارد. در ورزش و سلامت مقوله تشخیص چربی بدن (body fat distinction) مطرح است که می‌توان از شکل و فرم بدن، ابعاد دور شکم و بازو را حدس زد که چقدر چربی دارد و بر همین اساس توصیه‌های ورزشی و تغذیه‌ای انجام می‌شود. علاوه بر این‌ها در صنعت لباس آدم‌ها جلوی دوربین می‌ایستند و تصویرشان را نشان می‌دهند که لباس مناسب برای اندام هر کسی شبیه‌سازی شود.

این پژوهشگر اذعان داشت: در مسائل تشخیص ابعاد بدن معمولاً ابعاد مفصل‌های بدن و فواصل آن با یکدیگر مانند مچ پا تا مچ دست مهم است. در برخی موقعیت‌ها پژوهشگران سعی می‌کنند حالت‌های مختلف مفصل دست و پا را پردازش کنند. این موضوع در فضای دوبعدی حل شده ولی در سه‌بعدی بخواهیم محل مفصل را در فضای سه‌بعدی در نظر بگیریم کار اندکی دشوار می‌شود. البته

به فاکتورهای مختلفی بستگی دارد که این مدل درست اسکن شود؛ ممکن است دوربین‌ها کم و زیاد باشد، یا در حالتی که دوربین مستقیم روبروی صورت شخص وجود ندارد و مثلاً روی سرش نصب شده شرایط متفاوت می‌شود.

دکتر خواجه‌نژاد در ادامه افزود: یک سری روش‌هایی برای مدل‌سازی تصاویر هست که پژوهشگران در این سال‌ها سعی کردند آن را به انسان تعمیم بدهند. در مدل نرف ما ۶ تا عکس داریم که ماشین آن‌ها را در ۶ زاویه می‌سازد؛ اما درباره انسان یک سوژه داریم که یک دوربین احتمالاً بیشتر ندارد و به علاوه موقعیت‌هایش تغییر می‌کند. در کنار آن، انسان را یکی از اشیای مفصل‌بندی‌شده (articulated) می‌نامند که اهرم‌هایی در پیکره خود دارد و نقاطی را به هم متصل می‌کند. در مدلی که ما در نظر داریم، ماشین ابتدائاً از چند موقعیت در بدن سوژه انسانی و مفصل‌هایش در فضای سه‌بعدی مدل می‌دهد و بعد برای هر نقطه از این مدل، در سه جهت X=۳-Y=Z به طوری که اشعه را شامل شود، موقعیت را محاسبه می‌کند. سپس برای هر نقطه موقعیت نقطه را در نسبت ۱۷ مفصل در نظر می‌گیرد و آن را با مدل‌های نرف و MLP مدل می‌کند.

در پایان پرسش‌های شرکت‌کنندگان مطرح شد و ارائه‌دهنده در یکی از پرسش‌ها که آیا این ایده به محصول یا خدمت مشخصی رسیده گفت که با پروژه فلیکس (Flex) کار کرده است ولی ماژول وی هنوز وارد سیستم نشده است؛ لذا هنوز خدمت و محصول مشخصی هم‌اکنون نیست، ولی اگر طرح تحقیقاتی دانشگاهی وی تکمیل شود برای اپلیکیشن‌های مختلف کاربرد دارد. مسئله این ایده از منظر حکمرانی و عمومی‌سازی و شخصی‌سازی استفاده از مهارت‌های تقه‌ده‌ای و ورزشی با تأکید بر چت‌جی‌بی‌تی نیز بخش پایانی پنل پرسش و پاسخ بود.



ضرورت طراحی سامانه مرجع کودک و نوجوان در حوزه فضای مجازی

حسن نجفی سولاری

دکتر حسن نجفی سولاری کارشناس فضای مجازی و مدرس دانشگاه در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اجتماعی» رادیو گفت و گو در مورد آسیب‌های فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان بیان کرد: امروز خانواده‌ها التهاب بیش از حدی در درگیری فرزندان با فضای مجازی دارند.

به طور کلی هر فناوری و ابزاری که در اختیار انسان‌ها قرار دارد هم منفعت و هم ضرر دارد. امروز تکنولوژی به مدد انسان آمده و ایجاد اضطراب و نگرانی در مورد آن، نمی‌تواند جلوی گسترش آن را بگیرد.

وی ضمن مخالفت با محدود کردن فرزندان افزود: آزادی مطلق و همچنین محدودیت بیش از حد این فضا آسیب‌زا است. بنابراین حد وسط این حوزه آن است که خانواده‌ها اضطراب عجین شدن فرزندان با فضای مجازی و یا ذوق زدگی از فعالیت فرزندان خود در این فضا را باید از خود دور کنند. بلکه باید شیوه استفاده از این فناوری را از ابتدای خردسالی به فرزندان آموزش داده تا بتوانند استفاده صحیحی از آن داشته باشند.

نجفی سولاری در مورد مزایای استفاده از فضای مجازی برای کودکان و دانش‌آموزان گفت: برخی معتقدند این تکنولوژی برای آموزش است. فضای مجازی انواع امکانات را برای رشد انسان از بدو خلقت فراهم کرده است. همچنین رویکرد اطلاعاتی و تفریحی و سرگرمی دیگر رویکردهای فضای مجازی برای فرزندان است.

این مدرس دانشگاه در رادیو گفت و گو در مورد کودکان بلاگر فضای مجازی یادآور شد: با این کار، کودکان به فاصله گرفتن از زیست بوم واقعی هدایت می‌شود. اگر به نقطه‌ای برسیم که کودک از زیست بوم واقعی فاصله گرفت احساس نگرانی برای والدین ایجاد می‌شود. در این شرایط یک کامنت منفی می‌تواند تأثیرات روحی و روانی برای نوجوان داشته باشد. بنابراین والدین باید همانگونه که فرزندان را برای حضور در فضای واقعی تربیت می‌کنند باید آموزش‌های لازم برای حضور در فضای مجازی را نیز به آنها بدهند.

وی همچنین اعتیاد اینترنتی را اولین آسیب فضای مجازی دانست و گفت: حضور بیش از ۴ ساعت در این فضا موجب اعتیاد می‌شود. هر زمانی که احساس کردیم فیزیک بدن کودکان خورده باید نگران باشیم چرا که بدن کودک انعطاف‌پذیر است. همچنین دور شدن فرزندان از روابط اجتماعی نیز از دیگر خطرات فضای مجازی است. هر زمانی که والدین احساس کردند فرزندان خود افسردگی و غمگینی دارند و شبها از خواب می‌پرند باید نگران شوند و به پزشک مراجعه کنند. بحران هویت به ویژه پیش از جوانی نیز از دیگر خطرات جدی فضای مجازی است. بنابراین ندادن گوشی به فرزندان راه چاره نیست بلکه باید با آسپها آشنا بود و نگران شد.

این کارشناس فضای مجازی اذعان کرد: ما در حوزه کودک و نوجوان کار زیادی انجام ندادیم. شورای عالی فضای مجازی سیاست‌هایی در حوزه کودکان ندارد و در این حوزه دارای ضعف است.

۲۰ چالش محتوایی و خدمات احصا شده در فضای مجازی برای کودکان وجود ندارد. کسانی که برای تولید محتوا در حوزه کودک فعالیت دارند، بدون یاور می‌مانند. براساس آمار بنیاد ملی بازی‌های یارانه‌ای کودکان و نوجوان بالای ۹۰ درصد مصرف خارجی دارند چرا که محتوای مناسبی در دست ندارند. بنابراین نتوانستیم از بخش خصوصی برای ایجاد یک زیست بوم جذاب کودک و نوجوان حمایت کنیم.

نجفی سولاری با ابراز تأسف از نبود هم‌افزایی بین دستگاه‌های مختلف یادآور شد: ما مسئله مالکیت فکری در حوزه کودکان و نوجوانان را حل نکردیم. فیلتر کردن مسئله را حل نمی‌کند بلکه با حوزه‌ها را براساس محتوا درجه بندی کرد. حاکمیت باید همگرا و هم‌افزا به حمایت از کودکان و نوجوانان بپردازند.

وی همچنین تصریح کرد: باید یک سامانه جامع و مرجع زیست بوم کودک و نوجوان طراحی کرد. از تولیدات ویژه کودکان باید حمایت کرد. عملیات آموزش مربیان سواد رسانه‌ای کودکان نیز باید در دستور کار قرار گیرد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸ | آگهی‌ها: ۰۹۹۳۳۲۳۲۳۴ | ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



جنگ شناختی در نهج البلاغه

● جنگ شناختی، نبردی است که بر ذهن‌ها و قلب‌های انسان‌ها متمرکز است و با هدف تغییر باورها، ارزش‌ها و در نهایت باسوگیری‌های شناختی و اختلال محاسباتی منتج به تغییر رفتار آنان می‌شود.



نگاهی به زندگی و آثار «جین آستین»

● ایرانیان برای اولین بار با ترجمه‌ی کتاب «غور و تعصب» با جین آستین آشنا شدند. این کتاب را شمس الملوک مصاحب در سال ۱۳۳۶ ترجمه کرد.



هنگام سخن گفتن...

صدایت را بلند نکن!

بلکه آهسته و متواضعانه صحبت کن

(سوره لقمان، آیه ۱۹)



حسرت و آه در لذت یورو!

فریدون حسن



فاصله وحشتناکی با سطح اول فوتبال جهان دارد.

اشتباه نکنید درگیری‌های حین بازی سپاهان و گل‌گهر و وحشی‌گری‌های بعد از بازی را در همه جای دنیا می‌توان دید. نمونه‌اش در همین یورو که حتی تلفات هم داد. هرچند که این هم برگ ننگین دیگری در کارنامه فوتبال ایران محسوب می‌شود، اما در زمانی که فوتبال جهان با برنامه‌ریزی دقیق حتی زمان و مکان بازی‌های چند سال پیش‌رو را هم مشخص کرده در فوتبال آماتوری ایران آقایان در آستانه فینال جام حذفی (پنج‌شنبه ۳۱ خرداد) نمی‌دانند آخرین بازی فصل این فوتبال سراسر حاشیه را باید کجا برگزار کنند تا ثابت شود که به جای برنامه‌ریزی سرشان جای دیگری گرم بوده، جایی که برایشان سکه و اسکناس داشته است. سؤالی که باید پرسیده شود، این است که به کجای این فوتبال باید نازید؟ فوتبالی که فقط در حاشیه و فساد خلاصه می‌شود. فوتبالی که نمی‌توان از سطح فنی آن حرف زد، چون اصولاً چیزی به نام بار فنی ندارد و بخواهیم در خصوص آن حرف بزنیم، بار فنی، تکنیک و تاکتیک و در یک کلمه فوتبال زیبا را باید در یورو دید و در نهایت حسرت خورد که‌ای کاش این چند بازی مزخرف فوتبال ایران قبل از بازی‌های یورو برگزار می‌شد تا حداقل لذت فوتبالی‌مان خراب نشود.

این روزها خیلی بهتر می‌شود تفاوت سطح فوتبال آماتوری ایران را با سطح اول فوتبال جهان دید. در روزها و شب‌هایی که دنیای فوتبال در حال لذت بردن از تماشای مسابقات یورو ۲۰۲۴ و البته تا چند روز آینده رقابت‌های کوپا آمریکا، تماشای زشتی‌های فوتبال ایران فقط جای تأسف دارد. این روزها بزرگ و کوچک فوتبال فاسد ایران در حال شکایت از هم هستند. تفاوتی هم نمی‌کند داخل میدان باشی یا از آن خارج، فقط کافیست که چند روزی سستی هرچند کوچک در فوتبال داشت، آن وقت می‌توان بازیگر نقش اول جنجال‌های فوتبال نام گرفت و برای همه شاخ و شانه کشید. نمونه‌اش هم جلوی چشم همه هست. پرونده فساد که هرچه جلوتر می‌رویم هم ابعاد آن گسترده‌تر می‌شود و هم آدم‌های فاسد درگیر در آن بیشتر، اما دست‌آخر سرنوشتی مانند پرونده‌های قبلی پیدا می‌کند و در پروسه زمانی طولانی مدت خیلی راحت از یادها می‌رود.

به سروصداهای این روزها نگاه نکنید؛ ماجرای «ولیموتس گیت» یادتان هست؟! چقدر از برخورد حرف زده شد. چقدر شنیدیم که قرار نیست کوتاه بیایند تا پول مردم و بیت‌المال به تاراج نرود، اما در نهایت چه اتفاقی رخ داد، امروز هم اوضاع همان است. سروصدایی به راه افتاده و چندین و چند فاسد فوتبالی در قالب مدیر، رئیس، خبرنگار، مربی و مجری به جان هم افتاده‌اند و «پته» هم را روی آب می‌ریزند، اما در نهایت اتفاقی نمی‌افتد. ذات فوتبال آماتوری ایران با فساد عجین شده و کاری هم نمی‌شود برای درست شدن آن انجام داد. تنها باید این بنای فاسد را خراب کرد و از نو ساخت. کاش این چند مسابقه جام حذفی هم قبل از آغاز یورو انجام می‌شد تا حداقل خیالمان راحت باشد که فوتبال آماتوری ایران اینگونه روی اعصاب و روان هواداران، آن هم در زمانی که می‌توانند از تماشای فوتبال لذت ببرند پنجه نکشد. این روزها حاشیه‌های این فوتبال آماتوری و فساد چنان همه را به خود مشغول کرده که حتی در زمان انجام مسابقات هم با چنین حجم خبری روبه‌رو نبودیم. از طرفی اتفاقاتی که در جام حذفی رخ داده و در حال رخ دادن است بار دیگر ثابت می‌کند که فوتبال آماتوری ایران چه



آزادی میزبان فینال جام حذفی شد

● پس از اعتراض ۲ باشگاه سپاهان و مس رفسنجان به برگزاری فینال جام حذفی در ورزشگاه سردار آزادگان قزوین، فدراسیون فوتبال با بررسی گزینه‌های موجود و رایزنی با مسئولان شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی و مکاتبه با فیفا جهت استفاده از تکنولوژی وی‌ای‌آر، ورزشگاه آزادی را محل جدید برگزاری این مسابقه اعلام کرد.

● با اعلام رسمی مدیر روابط عمومی فدراسیون فوتبال، دیدار سپاهان و مس رفسنجان پنجشنبه ۳۱ خرداد در ورزشگاه آزادی برگزار خواهد شد.

فینالیست شدن جنجالی در نقش جهان

دنیا حیدری



نداشتم، اما متأسفانه یکی از مسئولان فرهنگی باشگاهی با قدمت سپاهان الفاظی علیه تیم ما به کار برد که مرا مجبور کرد جواب بدهم. فیلم دوربین‌ها موجود و کاملاً مشخص است که دابو در آخر بازی شروع کننده درگیری بود. ما که باخته بودیم و بچه‌ها به سمت رختکن می‌رفتند، اما این بازیکن آمد و ما را تحریک و درگیری را شروع کرد. وقتی دابو و یزدانی به رختکن گل‌گهر می‌آیند و درگیر می‌شوند، بی‌جنبگی از کیست؟ چشم آقای علیزاده را ببینید، اگر این بطری آبی که پرت شد به چشم این بچه خورده بود و چشمش کور می‌شد، کل زندگی و فوتبالتش از بین می‌رفت. ته فوتبال این است که هواداران سپاهان آمدند این بازی را دیدند و لذت بردند و ما هم به آن‌ها تبریک می‌گوییم، ولی اینکه بعد از بازی با فرار رو به جلو این حواشی را ایجاد کنید اوج بی‌عدالتی است.»

اما پرواضح است که رضا فتاحی، مدیر سپاهان نظر دیگری دارد: «شروع کننده درگیری‌ها بازیکنان گل‌گهر بودند. مستندات این موضوع در اختیار باشگاه قرار دارد و بخش حقوقی به احتمال زیاد امروز این مستندات را به مراجع مربوطه منعکس خواهد کرد.» صادق میرصالحیان، مدیر روابط عمومی سپاهان نیز اتفاقات رخ داده در پایان بازی را از چشم میهمان می‌بیند: «متأسفانه آخر بازی اتفاقاتی را در زمین دیدیم که از کم‌ظرفیتی بعضی دوستان نشئت می‌گیرد. در بردی هم که دوستان در نیم‌فصل اول داشتند، در رختکن یکسری حرکاتی انجام دادند و آنجا هم ظرفیت خود را نشان دادند. ما رفقیم مستندات را نشان ناظر بازی بدهیم که گفتند من نمی‌خواهم مستندات را ببینم. خدایا شکر ناظرهای ویژه حضور داشتند و رفتار ایشان را دیدند و امیدوارم فدراسیون رسیدگی کند. فکر می‌کنم حمزه مظفری از نیمکت گل‌گهر جرات را وارد کرد.» همچنین سایت باشگاه سپاهان عکس‌هایی از سیلوش یزدانی و همچنین فقیهی، مترجم سپاهان منتشر کرده و مدعی شده جرات‌های وارده به آن‌ها کار سیرجانی‌ها بوده است.

با توجه به وضعیت ورزشگاه آزادی که در دست تعمیر است و گفته می‌شود برق نیمی از سکوها

به همین دلیل قطع شده، برگزاری فینال جام حذفی در این ورزشگاه تقریباً بعید به نظر می‌رسد، حتی اگر فدراسیون مدعی باشد به دنبال برگزاری فینال در آزادی و با استفاده از VAR است، به‌خصوص که طبق برنامه، این بازی باید در قزوین برگزار شود، اما میزبانی قزوین را نه مس رفسنجان می‌پذیرد و نه سپاهان و هر دو اعتراض‌های خود را در این راستا مطرح کرده‌اند، اما باید دید سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال توجهی به این اعتراض‌ها و برگزاری بازی در اراک که گویا هم مس روی آن نظر مثبت دارد و هم سپاهان توجهی می‌کند یا باید منتظر تکرار جنجال‌های تأسف‌بار اصفهان در فینال جام حذفی هم باشیم!

نیمه‌نهایی رقابت‌های حذفی با چنان حواشی تأسف‌باری در اصفهان همراه بود که نگرانی‌ها از برگزاری فینال را صدچندان کرده است.

هرچند که مصاف دو تیم آلومینیوم و مس رفسنجان در اراک حاشیه‌های قابل توجهی نداشت و مس بی‌حاشیه و با برتری در ضربات پانلنتی فینالیست شد، اما در اصفهان اوضاع کاملاً متفاوت پیش رفت و فینالیست شدن سپاهان بی‌حاشیه نبود، خصوصاً ۱۰ دقیقه پایانی نبرد ۱۰۰ دقیقه‌ای سپاهان با گل‌گهر سیرجان. البته در جریان بازی هم تنش‌هایی را از دو تیم شاهد بودیم، به‌طوری که موعود بنیادی‌فر به ناچار دقیقه ۷۶ یک بازیکن از هر دو تیم را اخراج کرد. اریک بایناما از اراک (بازیکنی که تنها پنج دقیقه از حضورش در زمین بازی می‌گذشت) و میلاد زکی‌پور از اصفهان. اما حتی ۱۰ نفره شدن آلومینیوم و سپاهان هم نتوانست از میزان تنش‌های دو تیم بکاهد، به‌طوری که بعد از به صدا در آمدن سوت پایان بازی که با صعود سپاهان به فینال همراه بود، صحنه‌ای تأسف‌بار رقم خورد و تماشاگران حاضر در ورزشگاه شاهد درگیری شدید نفرات دو تیم بودند. درگیری‌های شدیدی که مصدومیت چند نفر را هم به دنبال داشت و دقایقی کوتاه از آن نیز پخش شد، اما خوشبختانه کارگردان تلویزیونی از ادامه پخش صحنه‌های تأسف‌باری که در پایان بازی سپاهان - گل‌گهر رخ داد، ششیمان شد.

حمزه مظفری، مربی گل‌گهر یکی از افرادی که در این درگیری دچار آسیب‌دیدگی شده بود مدعی است دوربین‌ها نشان می‌دهد مقصر کیست: «بعد از پایان بازی، دابو به سمت نیمکت گل‌گهر آمد و ابتدا علامت هیس نشان داد و سپس با انگشت دست حرکتی توهین‌آمیز انجام داد. بعد از این حرکت ما به دابو اعتراض کردیم و حتی درگیر هم نشدیم. بعد از اینکه تیم ما به رختکن رفت، سیلوش یزدانی به رختکن ما آمد و درگیری را شروع کرد و ما مجبور شدیم او را از رختکن بیرون کنیم. متأسفانه او حمله کرد و به بنده و علیزاده آسیب زد که امیدواریم کمیته انضباطی برخورد لازم را با یزدانی داشته باشد.» حیدر افسری، مدیر تیم گل‌گهر نیز مدعی است که یزدانی با ورود به رختکن این تیم آغازگر درگیری‌ها بود: «فصد صحبت کردن در این مورد را